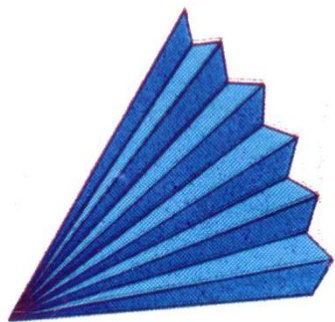
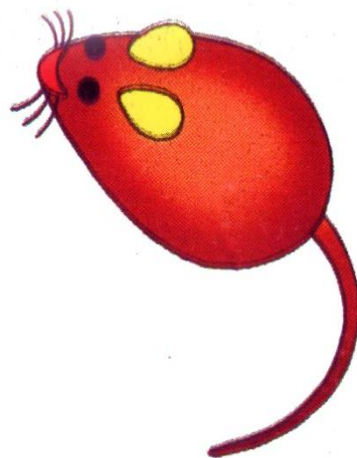


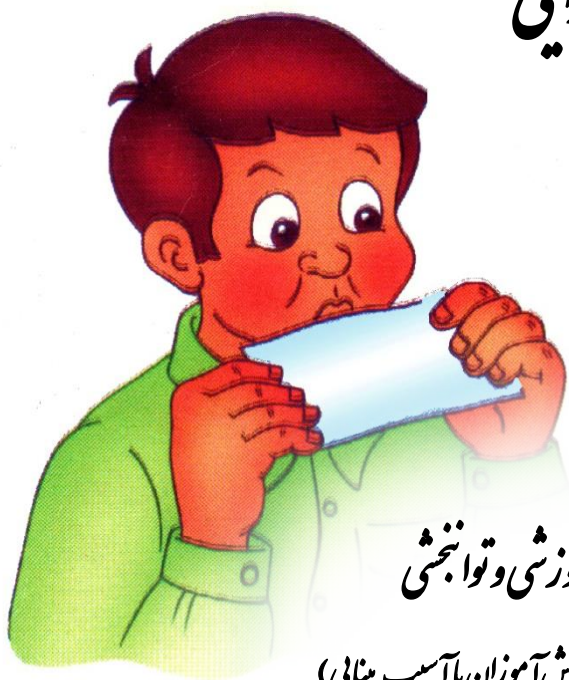
هنر



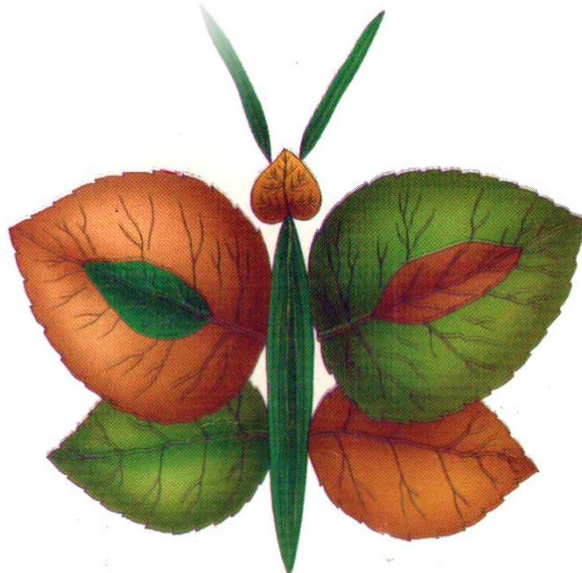
راه‌های معلم



پایه سوم ابتدایی



معاونت برنامه‌ریزی آموزشی و توانبخشی
گروه برنامه‌ریزی درسی و آموزشی دانش‌آموزان با آسیب‌های
سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸



بسم الله الرحمن الرحيم

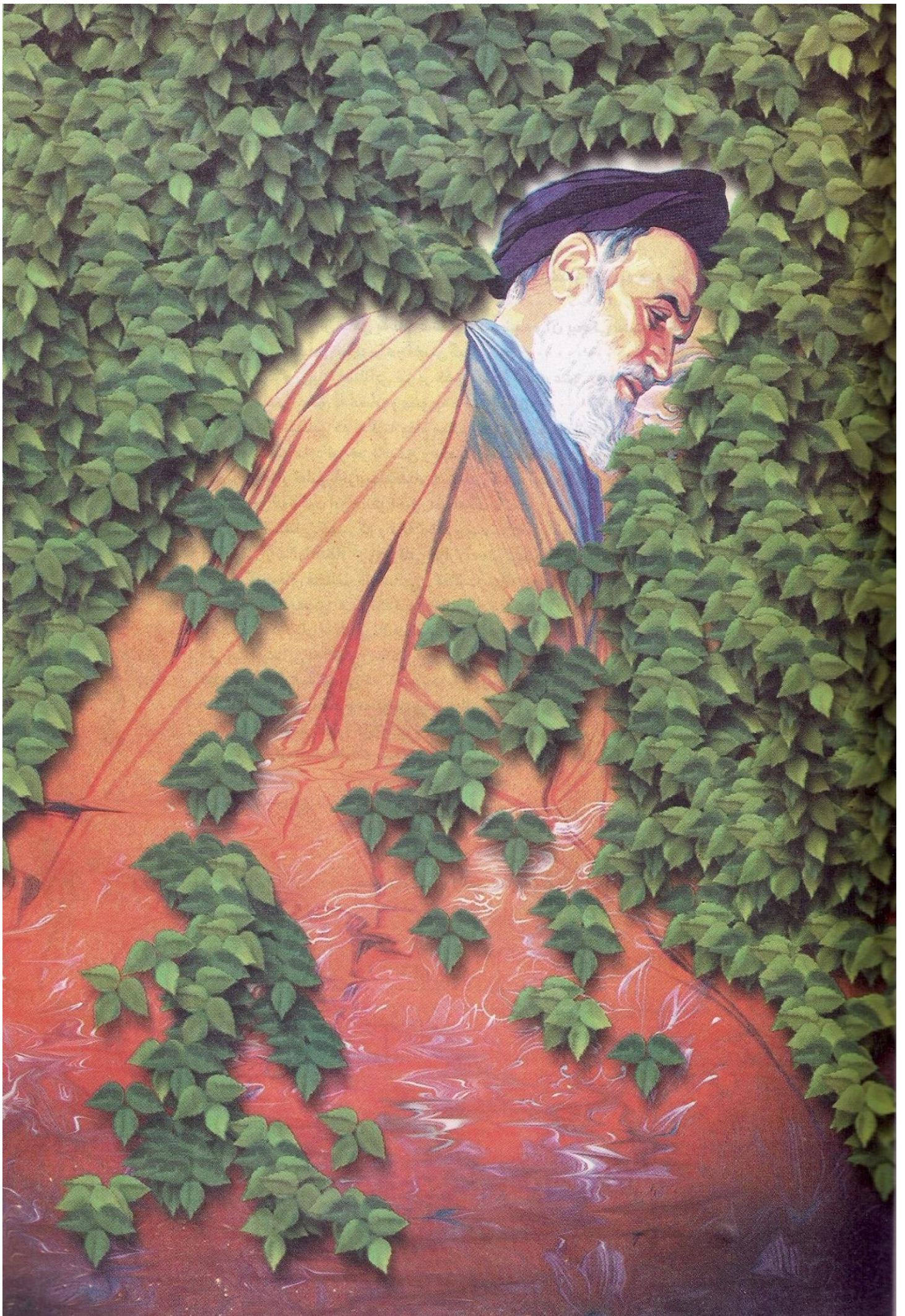
راهنمای معلم

کتاب هنر

پایه سوم ابتدایی

(ویژه دانش آموزان با آسیب بینایی)

۱۳۹۸



مقدمه.....	۲
بخش اول.....	۳
فعالیت‌های بخش کاردستی.....	۴
وسایل و مواد مورد نیاز:.....	۴
کاغذ و تا.....	۱
کاغذ و برش.....	۶
کار با مقوا.....	۸
کار با خمیر.....	۱۳
دور ریختنی‌ها.....	۱۷
کار با مروارید.....	۲۱
کار با چوب.....	۲۴
کلاژ.....	۲۶
هسته‌ها.....	۳۱
کار با ابر.....	۳۷
صداسازها.....	۴۰
بخش دوم.....	۴۳
نقاشی.....	۴۳
بخش سوم.....	۵۸
قصه و شعر.....	۵۸
نمایش.....	۶۷
تمرینات شنیداری.....	۷۷

گر بی هنرم و گر هنرمند

لطف است امیدم از خداوند

سعدی

هنر نقش محرکی را اجرا می کند که کودکان برای رشد در جنبه های مختلف شخصیتی به آن نیاز دارند. هنر به کودکان اجازه می دهد خلاقیت خود را بروز دهند. کودکان با هنر می آموزند در موقعیتهای گوناگون زندگی چگونه تصمیمات مهم را اتخاذ نمایند. فعالیتهای هنری موجب تربیت و تقویت عزت و اعتماد به نفس در کودکان می شود.

کارشناسان تعلیم و تربیت ادعان دارند هنر موجب آرامش و آسودگی خاطر شده و به رشد مغز کمک می کند. فعالیتهای هنری نگرانی های کودکان را از آنها دور و حتی یک روش درمانی برای اضطراب محسوب می شود.

سازمان آموزش و پرورش کودکان استثنایی کشور با توجه به اهداف فوق و به منظور پرورش توانایی مختلف دانش آموزان آسیب دیده بینایی، کتاب هنر ویژه این گروه تالیف شده در سال ۱۳۸۰ را به همت تعدادی از آموزگاران و گروه برنامه ریزی درسی دانش آموزان آسیب دیده بینایی مورد بررسی و بازنگری مجدد قرار داد. لذا راهنمای حاضر با اعمال تغییرات در اختیار همکاران محترم قرار می گیرد، تا در سراسر کشور بصورت یکسان و هماهنگ این کتاب در زنگ هنر مورد بهره برداری قرار گیرد. همچنین مقتضی است همکاران محترم به دقت محتوای فوق را مطالعه و پیشنهادات خود را در سامانه نظرسنجی کتب به آدرس CSDEO.IR درج نمایند. از همکاران محترم سرکار خانمها معصومه اکبری، مریم آجوند، پروین رحمانی، ریحانه کشاورز مطلق، مینو پارسینژاد و امینه نگهبان که در بازنگری این کتاب ما را یاری نمودند سپاسگزاری می شود.

بخش اول

سازمان آموزش پژوهش و ورزش استثنایی
کارروستی

فعالیت‌های بخش کار دستی

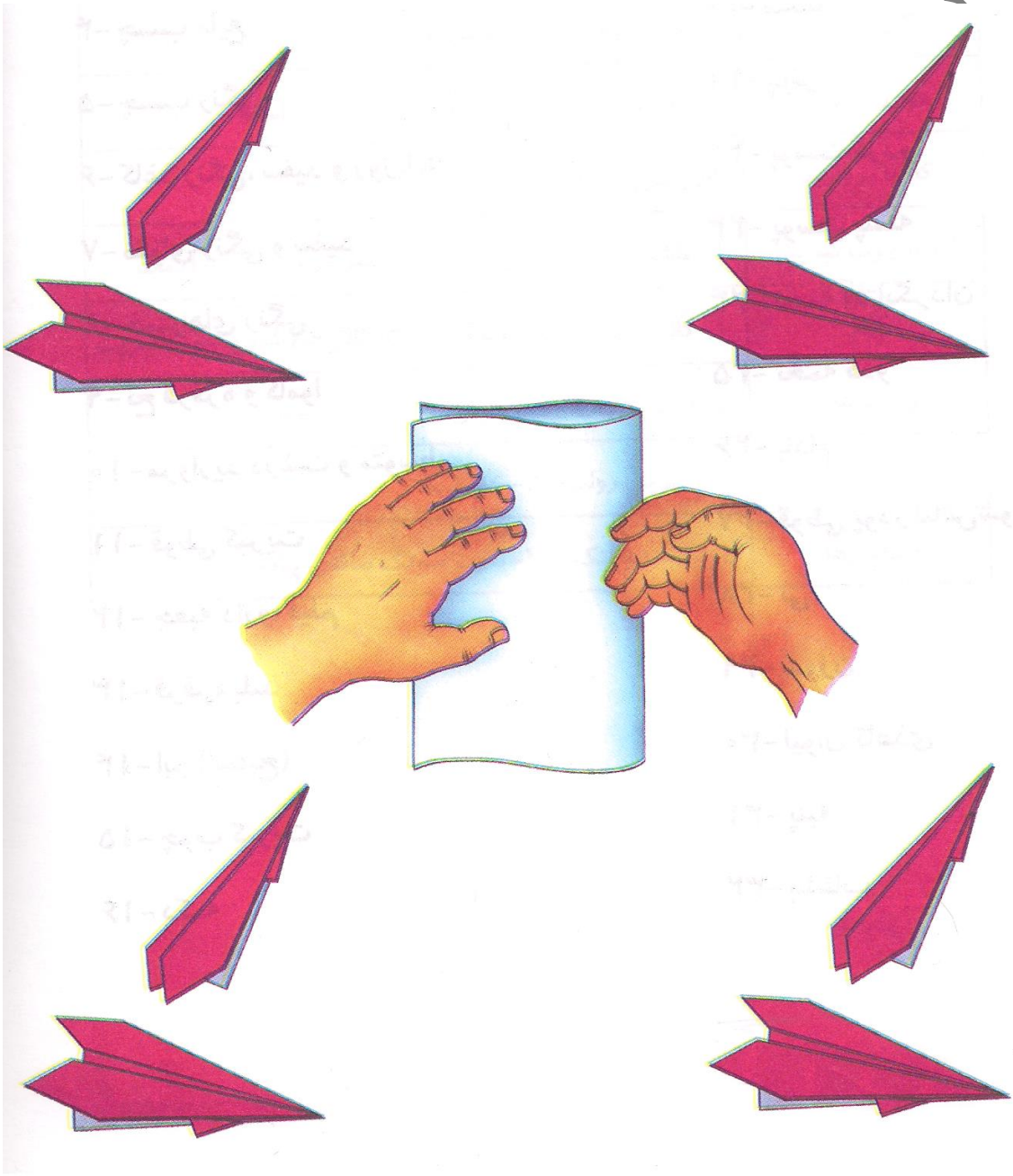
کاغذ و تا	۱- کلاه	۲- لیوان	۳- موشک
کاغذ و برش	۱- کلاه	۲- چتر	۳- گل برگ ۴- خرس
کار با مقوا	۱- موش	۲- دمپایی	۳- کارت تبریک
کار با خمیر	۱- سبد میوه	۲- تابلو بهار	
دور ریختنی‌ها	۱- کلاه تیغی	۲- کامیون	۳- اسب
کار با مروارید	کار با مروارید در سه مرحله		
کار با چوب کبریت	۱- ماشین	۲- گل	۳- شترمرغ ۴- آدمک
گُلَاژ	۱- گُلَاژ پارچه	۲- گُلَاژ برگ	۳- گُلَاژ خورشید با چوب کبریت
کار با هسته‌ها	۱- لاک پشت	۲- موش	۳- جغد
کار با ابر	۱- شیرینی رولت	۲- خورشید	
صداسازها	۱- سوت سوتک	۲- سوت سوتک ساقه ی پیازچه	

وسایل و مواد مورد نیاز:

- | | | |
|----------------------|---------------------|-------------------------|
| ۱- قیچی | ۱۱- قوطی کبریت | ۲۳- پوست پسته |
| ۲- رولت خیاطی | ۱۲- جعبه دارو، فیلم | ۲۴- تخمه آفتابگردان |
| ۳- مداد | ۱۳- قرقره بلند | ۲۵- تخمه کدو |
| ۴- چسب مایع | ۱۴- ابر (اسفنج) | ۲۶- بادام |
| ۵- چسب رنگی | ۱۵- چوب کبریت | ۲۷- قوطی پودر لباس شوئی |
| ۶- کاغذ رنگی، سفید و | ۱۶- دکمه | ۲۸- نی |
| روزنامه | ۱۷- برگ درخت | ۲۹- سوزن |
| ۷- مقوای رنگی و سفید | ۱۸- ماکارونی | ۳۰- لیوان کاغذی |
| ۸- خمیرهای رنگی | ۱۹- پارچه | ۳۱- پنبه |
| ۹- نخ قرقره و کاموا | ۲۰- منگنه | ۳۲- بشقاب |
| ۱۰- مروارید درشت و | ۲۱- پونز | |
| متوسط | ۲۲- پوست گردو | |

کاغذ و تا

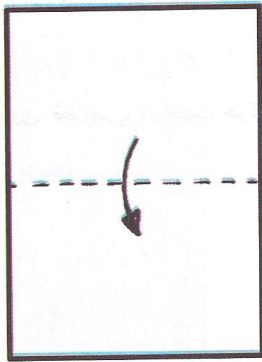
ساز



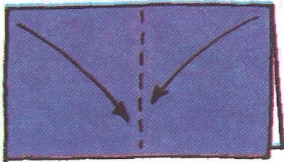
کلاه

وسایل لازم: کاغذ مستطیل شکل

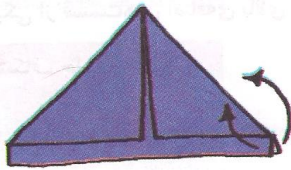
۱. مطابق شکل، از روی خط چین در جهت حرکت فلش به رو تا بزنید.



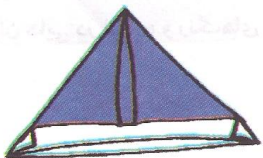
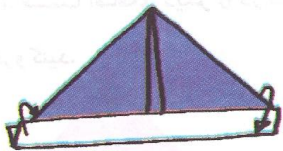
۲. از دو گوشه‌ی بالای کاغذ در جهت حرکت فلش‌ها به سمت (داخل) به رو تا بزنید.



۳. لبه‌ی رو از جلو و لبه‌ی زیر را از پشت به طرف بالا تا بزنید.



۴. گوشه‌های اضافی جلو را به پشت، و گوشه‌های اضافه پشت را به جلو تا بزنید.

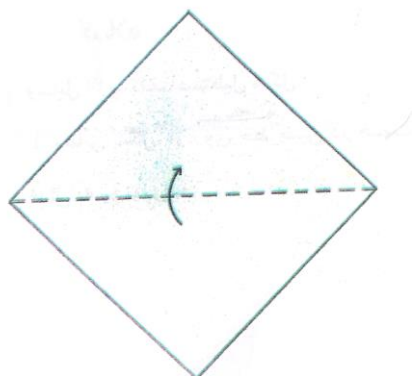


بازی و تمرین:

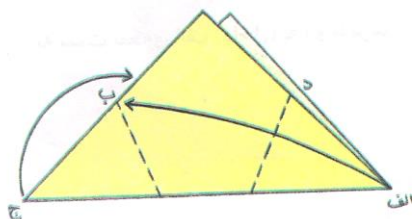
کلاه آماده شده، آن را در اندازه‌های مختلف بسازید و با پر و گل تزئین کنید.

لیوان

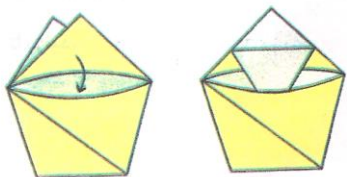
وسایل لازم: کاغذ مربع شکل



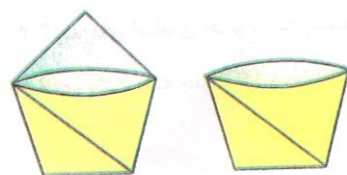
۱. از روی خط چین، در جهت حرکت فلش، به رو تا بزنید.



۲. نقطه‌ی «الف» را روی نقطه‌ی «ب» بگذارید و به رو تا بزنید و نقطه‌ی «ج» را از پشت روی نقطه‌ی «د» بگذارید و تا بزنید.



۳. یکی از قسمت‌های اضافی بالای کاغذ را در شکاف جلو قرار دهید.



۴. قسمت اضافی دیگر را در شکاف پشت قرار دهید.

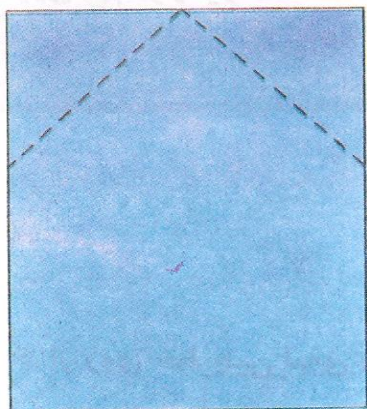
بازی و تمرین:

لیوان‌هایی در اندازه و رنگ‌های مختلف درست کنید و به دوستان خود هدیه دهید.

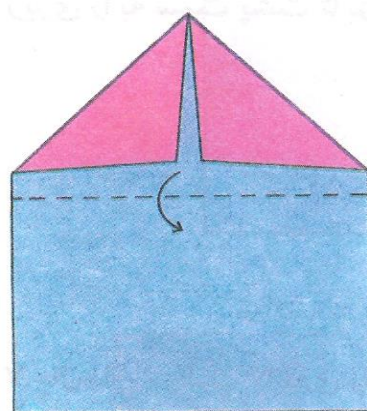
نهایی

موشک

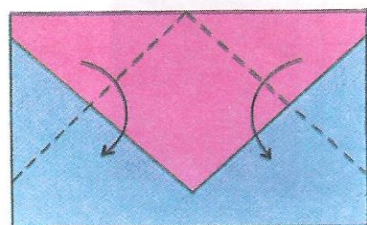
وسایل لازم: کاغذ مستطیل شکل



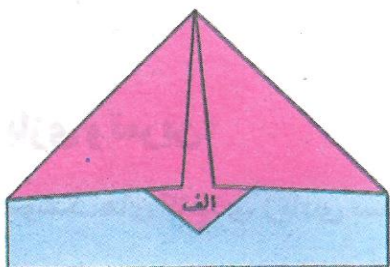
۱. از روی خط چین‌ها، به رو تا بزنید.



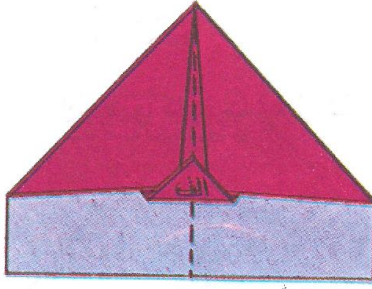
۲. از روی خط چین در جهت حرکت فلش به رو تا بزنید.



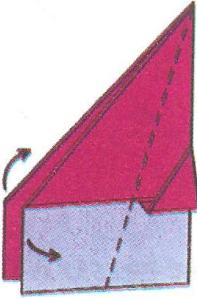
۳. از روی خط چین‌ها، دو گوشه‌ی بالای کاغذ را، در جهت حرکت فلش‌ها به رو تا بزنید.



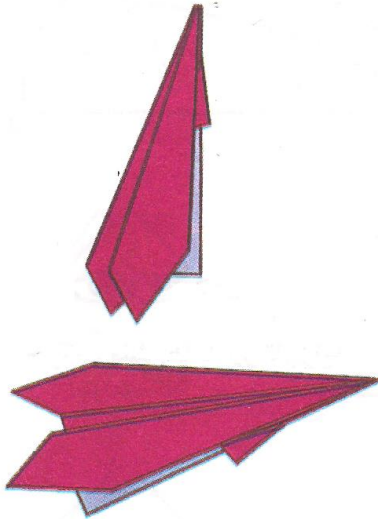
۴. قسمت الف را به سمت بالا تا بزنید.



۵. از روی خط چین به زیر تا بزنید، به طوری که دو لبه بر روی هم قرار گیرند.



۶. از روی خط چین لبه‌ی رویی را به سمت رو و لبه‌ی زیری را به سمت پشت تا بزنید.



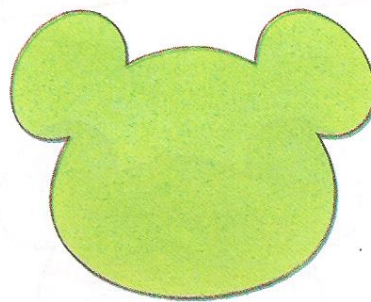
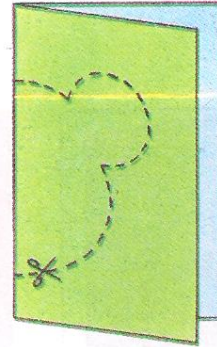
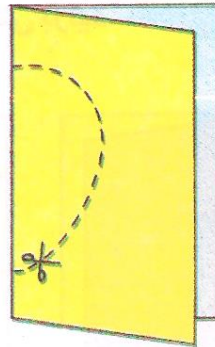
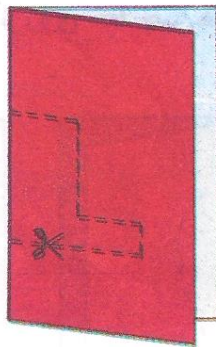
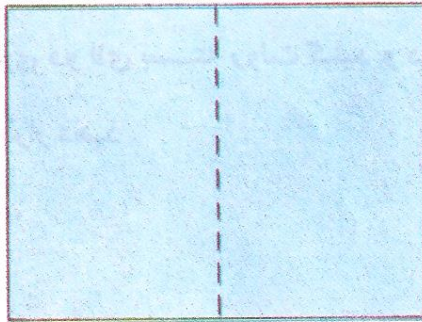
۷. بال‌های موشک کاغذی را کمی به طرف بالا برگردانید.

بازی و تمرین:

موشک‌های کاغذی زیادی بسازید و با دوستان خود یک مسابقه‌ی موشک برگزار کنید.

پایانی

کاغذ و برش

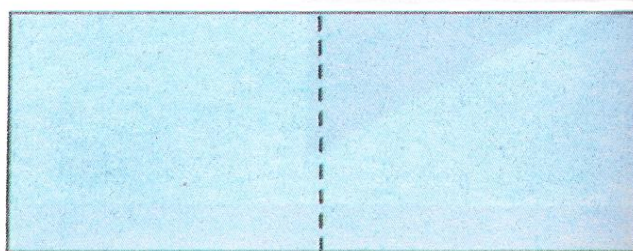


کلاه، چتر، گلبرگ، خرس.

وسایل لازم: مقوای رنگی نازک، قیچی، مداد و رولت خیاطی

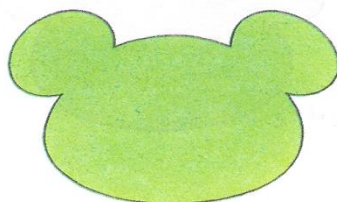
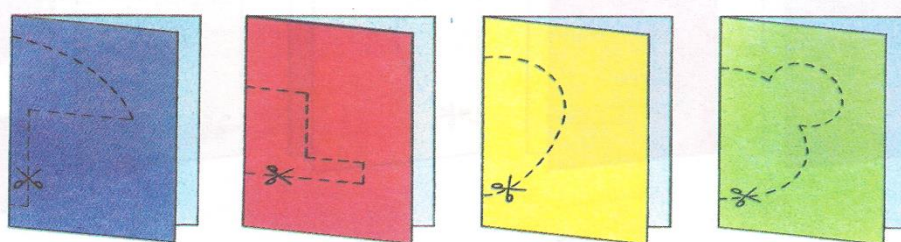
مربیان گرامی:

۱. مطابق شکل مقوای رنگی را از روی خط چین (وسط) تا بزنید، به طوری که لبه‌ها روی هم قرار گیرند.



شکل‌ها را روی دو لای بسته رولت کنید و در اختیار دانش‌آموزان قرار دهید.

۲. شکل‌های رولت شده را از روی خط چین‌ها برش بزنید.



۳

کار با مقوا

ساز



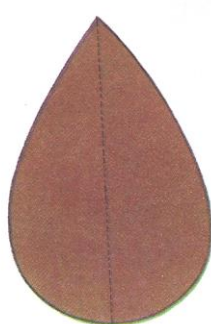
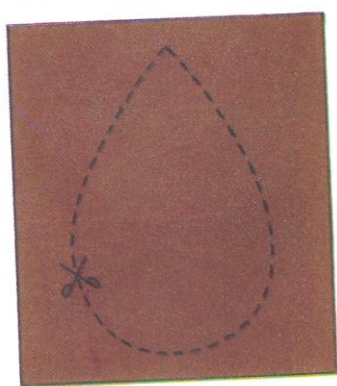
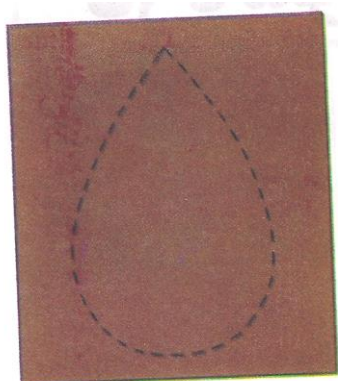
ساز استثنایی

ساخت موش

وسایل لازم: مقوای رنگی، چسب، قیچی، رولت خیاطی.

مربیان گرامی:

مطابق شکل بدن موش را روی مقوا رولت کنید و در اختیار دانش آموزان قرار دهید.



۱. بدن رولت شده را با قیچی جدا کنید.

۲. مطابق شکل، از روی خط چین فقط خط تا بیندازید.

سپس آن را باز کنید.

۳. مطابق شکل برای سر موش از روی خطچین‌ها به سمت پایین، فقط خط تا بیندازید.

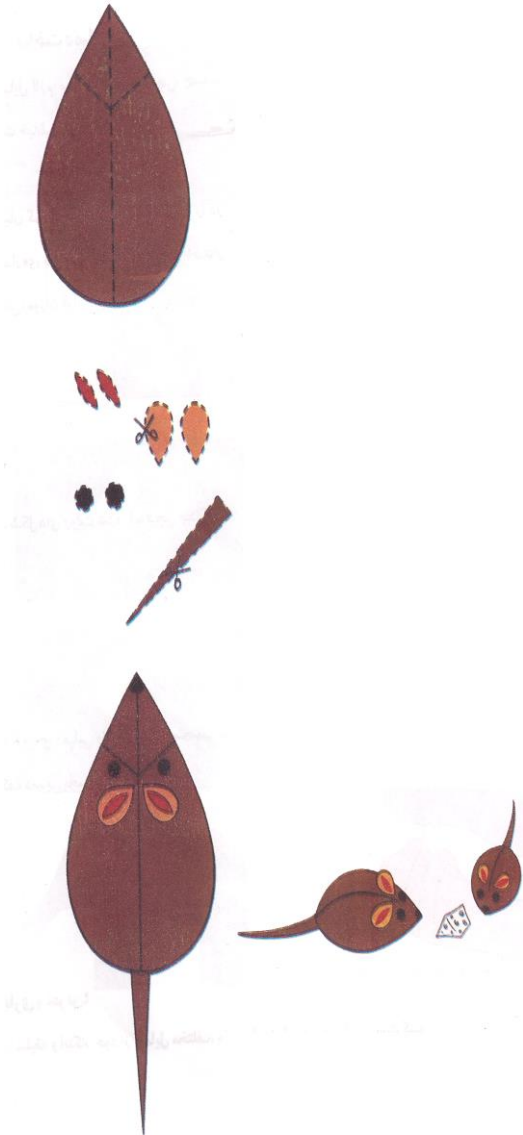
مربیان گرامی:

۴. مطابق شکل چشم‌ها، گوش‌ها و دم موش را رولت کنید و در اختیار دانش‌آموزان قرار دهید تا با قیچی جدا کنند.

۵. مطابق شکل گوش‌ها، چشم‌ها و دم را روی بدن موش، در محل مناسب بچسبانید.

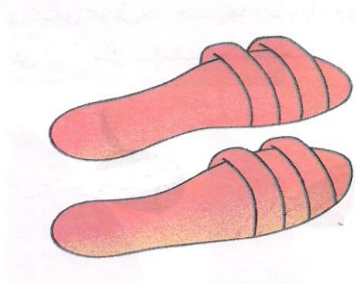
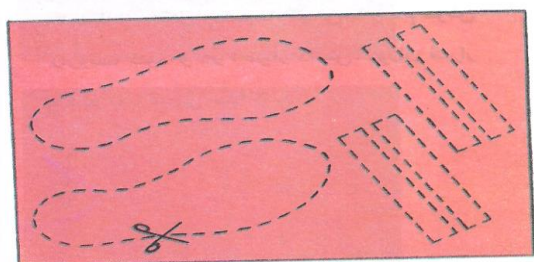
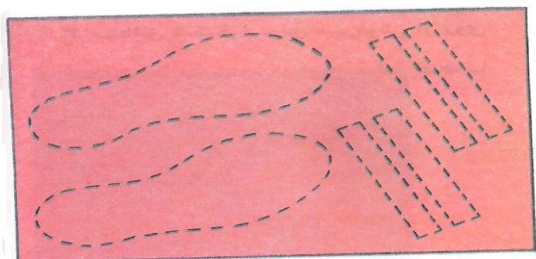
توجه:

موش را بر روی سطح شیب‌دار قرار دهید تا به حرکت درآید.



ساخت دمپایی

وسایل مورد نیاز: مقوای رنگی، قیچی، چسب، رولت خیاطی.



مریجان گرامی:

مطابق شکل، شکل‌ها را در اندازه‌ی دلخواه رولت کنید و در اختیار دانش‌آموزان قرار دهید.

۱. شکل‌های رولت شده را با قیچی جدا کنید.

۲. رویه‌ی دمپایی را در دو مدل مختلف به کف دمپایی بچسبانید.

بازی و تمرین:

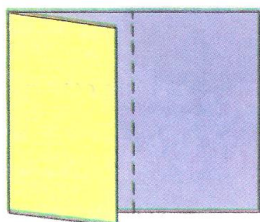
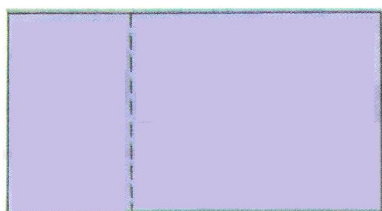
با سلیقه و ابتکار خود از وسایل مختلف، مانند پارچه، ابر و ... دمپایی درست کنید.

کارت تبریک

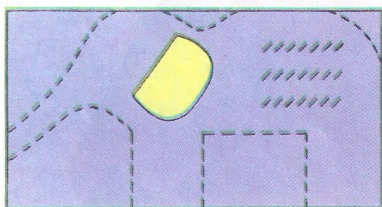
وسایل لازم: مقوای رنگی، قیچی، رولت خیاطی و مداد.

مربیان گرامی

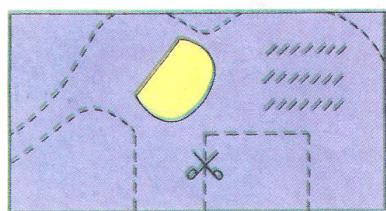
۱- از روی خط چین به رو تا بزنید.



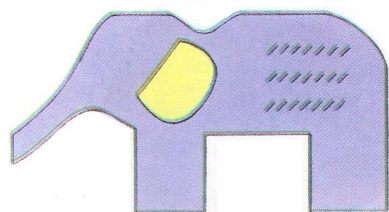
۲- از روی خط چین به رو تا بزنید و سپس باز کنید.



۳- مقوای تا شده را باز کنید و نوار سلیقه‌ی دانش‌آموزان، مانند نمونه شکلی را رولت کنید و در اختیار آن‌ها قرار دهید.



۴ - شکل رولت شده را با قیچی جدا کنید.

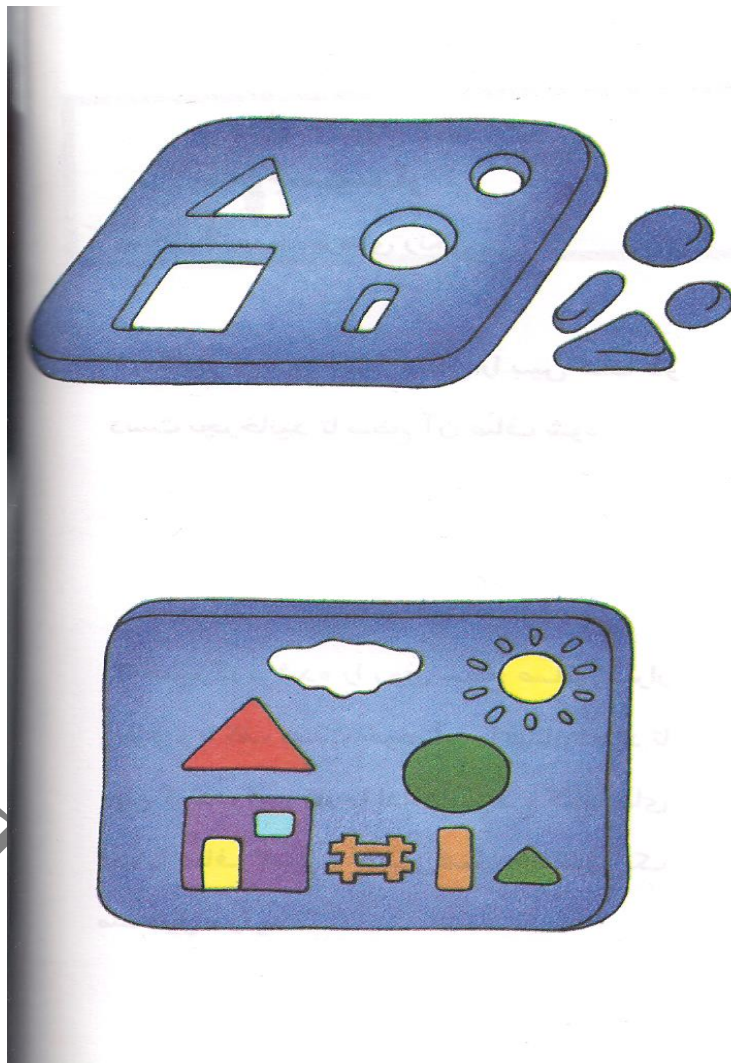


بازی و تمرین:

از شکل‌های میوه‌ها و حیوانات، کارت تبریک‌های زیبایی درست کنید و سال نو را به پدر و مادر خود تبریک بگویید.

کار با خمیر

ساز مدرسه



کتابخانه

نابلو بهار

وسایل لازم : خمیرهای رنگی

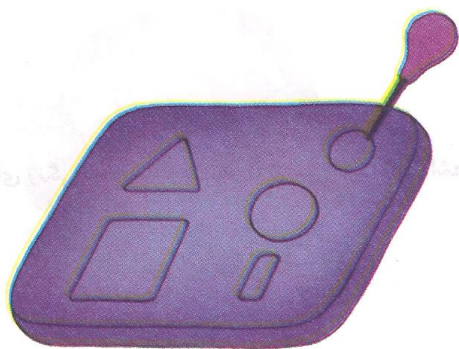
۱. مقدار زیادی خمیر رنگی را بین کف دو دست بچرخانید تا سطح آن صاف شود.



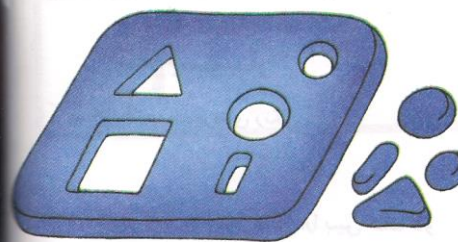
۲. خمیر گرد شده را روی سطح صافی قرار دهید و با کف دست خود، آن را فشار دهید تا پهن گردد، این کار را ادامه دهید و کناره‌های آن را صاف کنید تا خمیر شما به شکل یک مستطیل درآید.



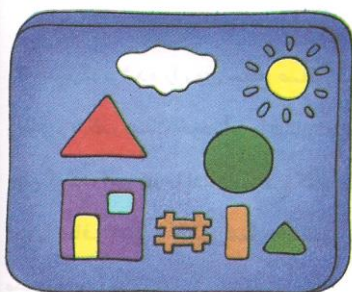
۳. مطابق شکل با قلم بریل روی سطح پهن شده در محل‌های تعیین شده، شکل‌هایی مانند مربع، مثلث، مستطیل و دو دایره بزرگ و کوچک بکشید.



۴. مطابق شکل خمیر مربوط به شکل‌های کشیده شده را جدا کنید.



۵. مطابق شکل جاهای خالی شده را با خمیرهای رنگی دیگر پر کنید.



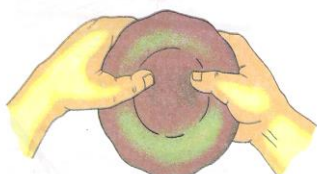
توجه:

با خمیرهای رنگی سطح تابلوی بهار را تزئین کنید. (ابر، نرده و ...)

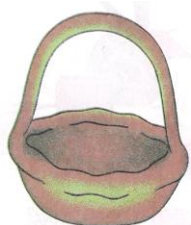
سبد میوه

وسایل لازم: خمیرهای رنگی

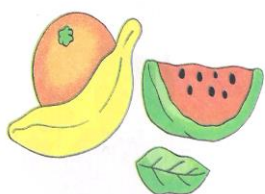
۱. یک خمیر گرد شده‌ی بزرگ را با انگشتان شست دو دست گود کنید به طوری که لبه‌ها نازک و خمیر به شکل سبد درآید.



۲. مقداری خمیر را بین کف دو دست بچرخانید تا به شکل لوله‌ی باریکی درآید و در دو طرف سبد بچسبانید تا دسته‌ی آن درست شود.



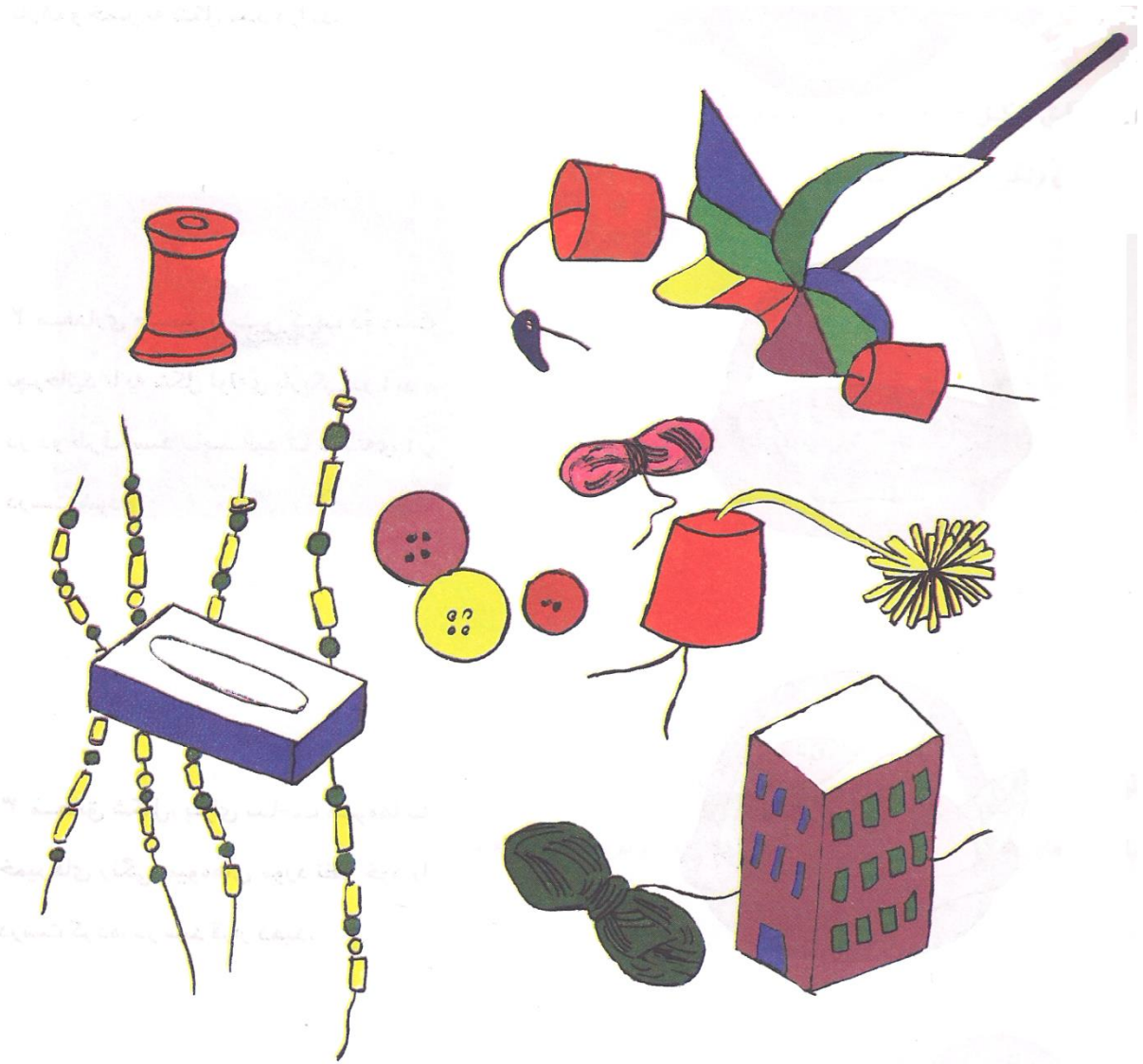
۳. مطابق شکل، برای ساخت میوه‌ها با خمیرهای رنگی، میوه‌های مورد نظر خود را درست کرده، در سبد قرار دهید.



پی

۵

دور ریختنی‌ها



کلاه تیغی

وسایل لازم: تعدادی نی، یک لیوان کاغذی
بزرگ، نخ کاموا.

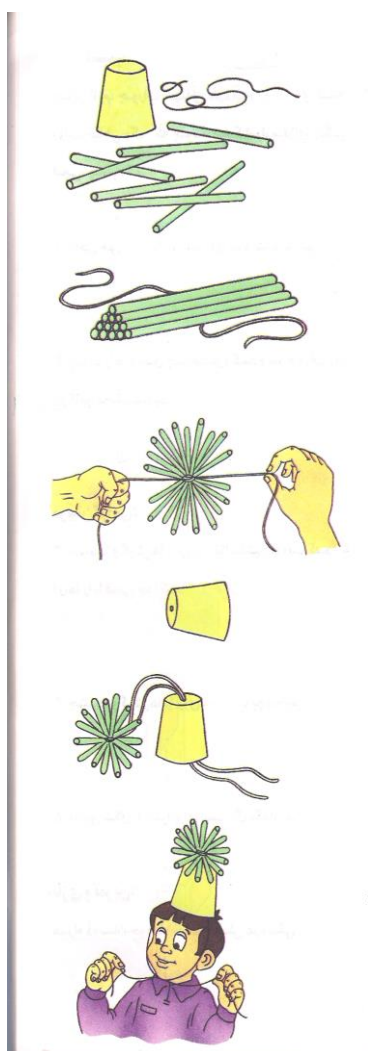
۱. نی‌ها را دسته کنید و روی نخ بگذارید.

۲. دور نی‌ها را با نخ چند گرهی محکم بزنید.

۳. ته لیوان کاغذی را سوراخ کنید.

۴. دو سر نخ را از میان سوراخ عبور دهید.

۵. کلاه را بر سرتان بگذارید و نخ را زیر چانه‌تان
گره بزنید.



اسب

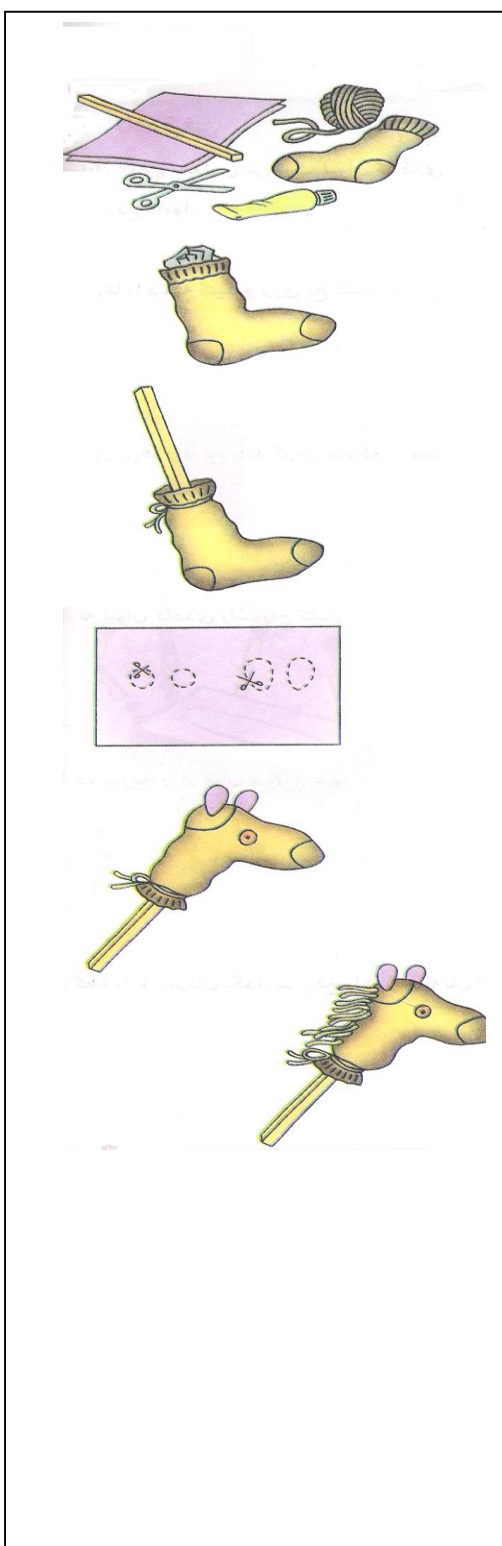
وسایل لازم: جوراب، روزنامه‌ی کهنه، رولت خیاطی، یک تکه چوب، نخ کاموا، مقوای رنگی، قیچی، چسب، دکمه.

مربیان گرامی:

۱. داخل جوراب را با روزنامه‌های خرد شده پر کنید.
۲. چوب را به داخل جوراب فرو کنید و سر جوراب را با نخ کاموا محکم ببندید.
۳. چشم‌ها و گوش‌ها را روی مقوا بکشید (رولت کنید) تا آن‌ها را با قیچی جدا کنید (می‌توانید برای چشم از دکمه استفاده کنید).
۴. چشم‌ها و گوش‌ها را روی سر اسب بچسبانید.
۵. مطابق شکل با کاموا برای اسب یال بگذارید.

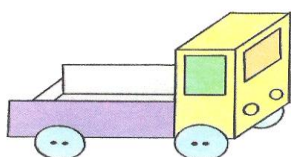
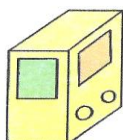
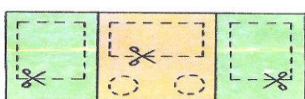
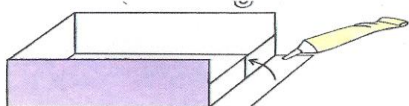
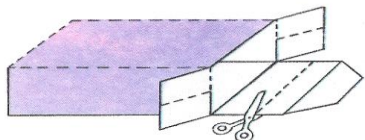
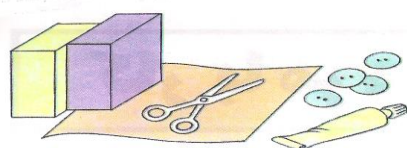
بازی و تمرین:

همراه دوستان خود با اسب‌ها نمایش عروسکی اجرا کنید.



کامیون

وسایل لازم: دو عدد جعبه دستمال کاغذی کوچک و بزرگ
نی، در نوشابه چهار عدد



۱. جعبه کوچک را به صورت عمودی به جعبه بزرگ که به صورت افقی قرار داده‌اید، بچسبانید.

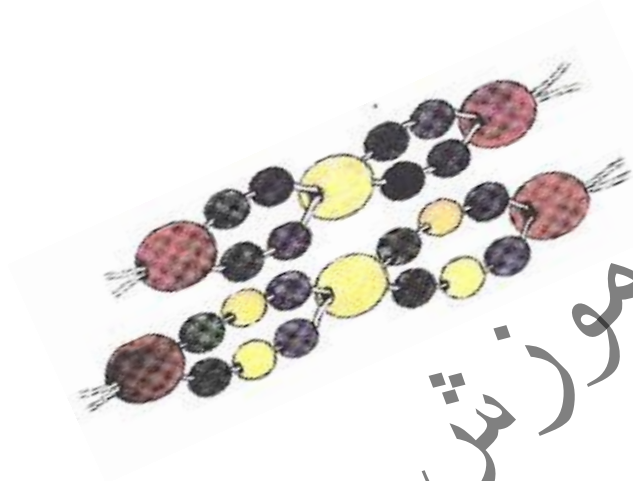
۲. نی‌ها را از جعبه بزرگ طوری عبور دهید که در انتهایشان درهای بطری را به عنوان چرخ بچسبانید.

بازی و تمرین:

همراه دوستانتان با کامیون‌هایی که درست کرده‌اید بازی کنید.

۶

کار با مروارید



سازمان آموزش و پرورش
کتابخانه

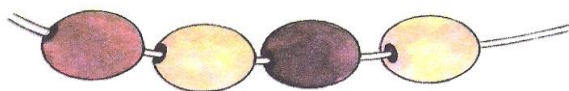
نکات مورد توجه در کار با مروارید :

۱. برای راحتی و سرعت در انجام کار، مرواریدهای درشت و متوسط را در دو ظرف جداگانه نگهداری کنید.
۲. در انجام هر یک از مراحل، دقت لازم را داشته باشید.

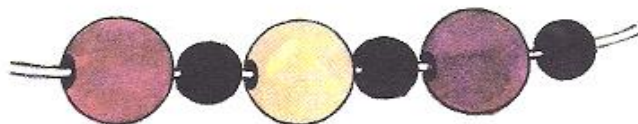
سازمان آموزش و پرورش استثنایی

کار با مروارید

وسایل لازم: مرواریدهای درشت و متوسط، نخ نایلون (نخ نامرئی).
مرحله‌ی اول - مطابق شکل تعدادی مروارید درشت را از نخ عبور دهید



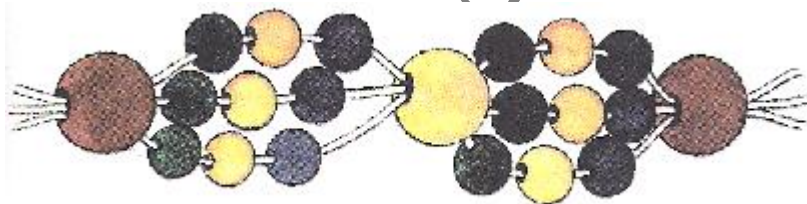
مرحله‌ی دوم - به ترتیب یک مروارید درشت و یک مروارید متوسط را به صورت یک در میان از نخ عبور دهید.



مرحله‌ی سوم - دو رشته نخ هم‌اندازه را آماده کنید و مانند نمونه مرواریدها را از نخ عبور دهید.



مرحله‌ی چهارم - سه رشته نخ هم‌اندازه را آماده کنید و مانند نمونه مرواریدها را از نخ‌ها عبور دهید.

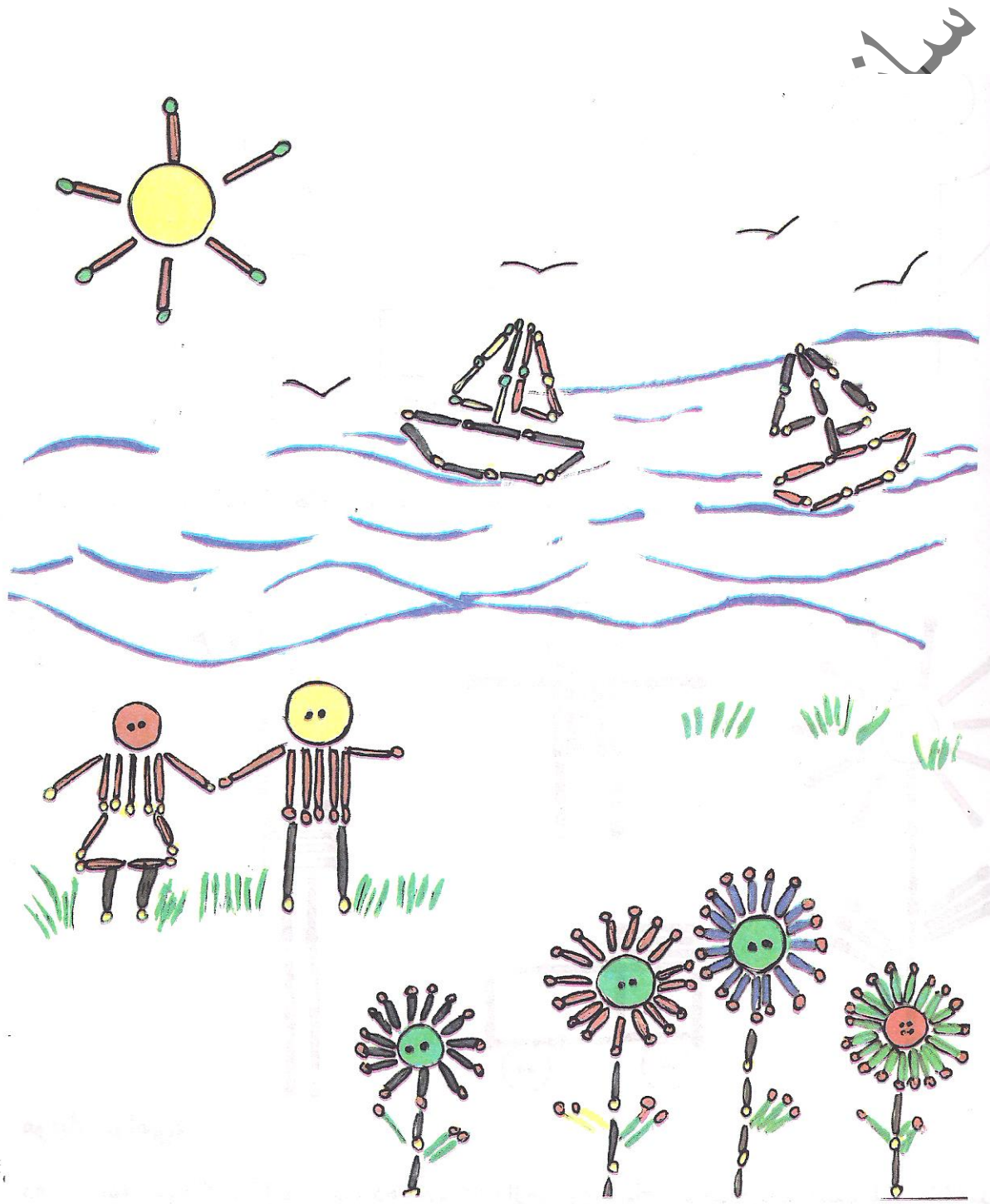


توجه :

دانش‌آموزان عزیز می‌توانید، پیش از شروع کار یک سرخ‌ها را گره‌ی محکم و بزرگی بزنید تا مرواریدها درنیایند.

۷

کار با چوب

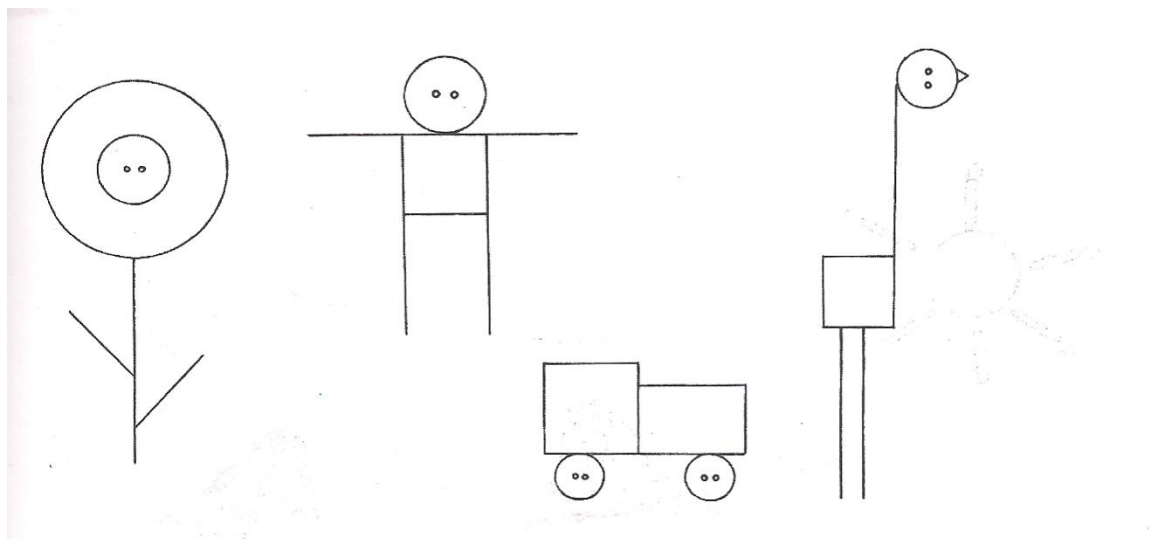


کار با چوب کبریت

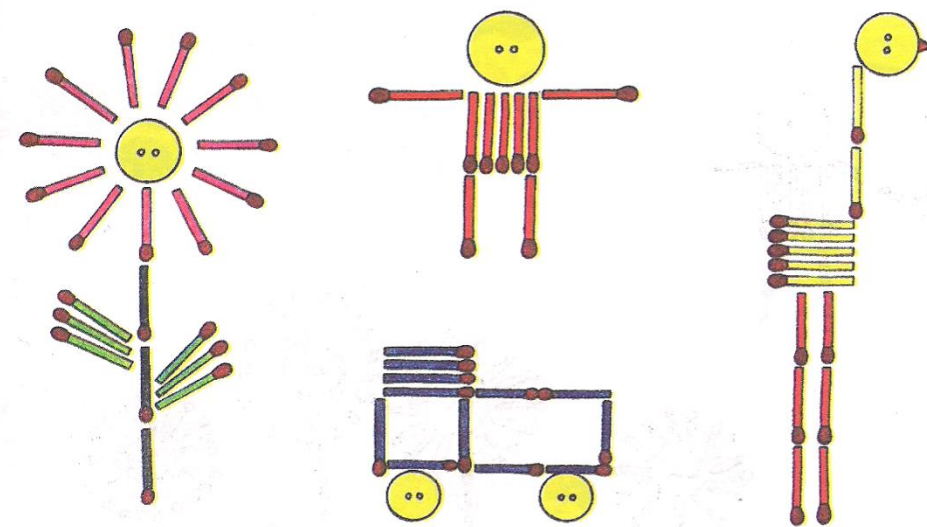
وسایل لازم: چوب کبریت، چسب چوب، رولت خیاطی، دکمه، مقوّا (کاغذ بریل)

مرّیان گرامی:

شکل‌های مختلف را مانند نمونه روی مقوّا بکشید (رولت کنید) و در اختیار دانش‌آموزان قرار دهید.



۱. دور تا دور یا تمام شکل‌ها را مانند نمونه به صورت مرتّب، چوب کبریت بچسبانید.



مرّیان گرامی:

دقّت داشته باشید که شکل‌های کشیده شده به اندازه‌ی چوب‌های کبریت و یا متناسب با آن‌ها باشند.

۸
کُلاژ



نکات مورد توجه در فصل کلاژ:

- ۱- کار را مرحله به مرحله و با دقت انجام دهید.
- ۲- پیش از شروع کار، وسایل مورد نیاز را آماده کنید.
- ۳- در تمیز انجام دادن کار دقت داشته باشید.

سازمان آموزش و پرورش استثنایی

کلاژ برگ‌ها

وسایل لازم: رشته‌های ماکارونی، چوب بستنی،

چسب، مقوای انواع برگ.

۱. برگ‌های جمع‌آوری شده را، پس از تمیز کردن و روغن زدن به صورت نامنظم بر روی مقوای بچسبانید.



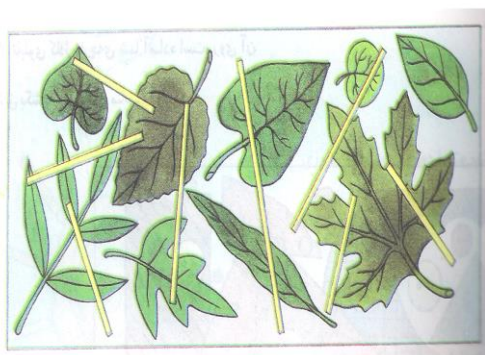
۲. رشته‌های ماکارونی را به طور دلخواه، مانند نمونه در

جهت‌های مختلف روی برگ‌ها بچسبانید.



نکته: شما می‌توانید رشته‌های ماکارونی را به صورت منظم

و با فاصله‌های مساوی بر روی برگ‌ها بچسبانید.



توجه:

دانش‌آموزان عزیز برای طرح خود از چوب کبریت و برگ‌های جمع‌آوری شده استفاده کنید و به صورت منظم بر روی مقوای بچسبانید.

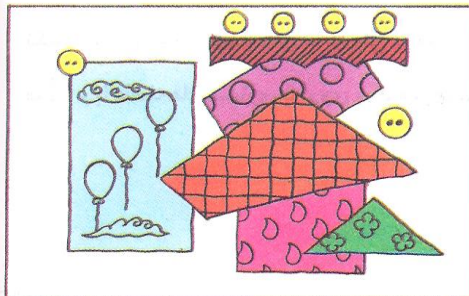
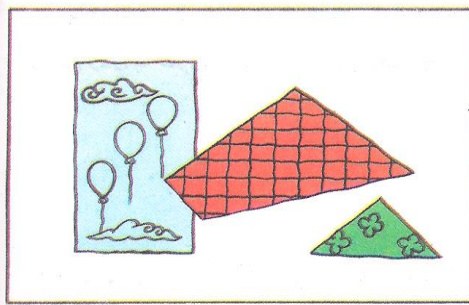
کلاژ پارچه

وسایل لازم: پارچه، چسب، مقوای، دکمه و قیچی.

۱. تعدادی پارچه را در اندازه و شکل های گوناگون

با قیچی ببرید و در قسمت های مختلف یک ورق

مقوای بزرگ، به طور دلخواه بچسبانید.

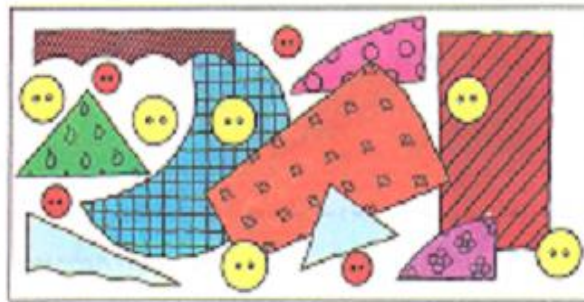


۲. برای تزیین روی پارچه های چسبانده شده، دکمه های

کوچک و بزرگ را به طور دلخواه بچسبانید.

۳. تابلوی کلاژ پارچه ای شما آماده است،

روی آن طلق بکشید و در جای مناسب قرار دهید.



تزیین

کلاژ خورشید با چوب کبریت

وسایل لازم: پنبه، چسب، چوب کبریت، مقوای و گواش زرد.

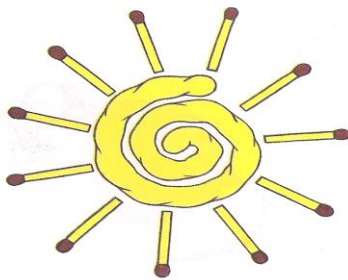
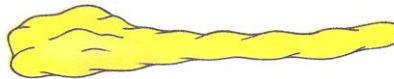
۱. مقداری پنبه را با گواش زرد، رنگ آمیزی کنید.

نکته: پس از رنگ آمیزی، مدتی آن را کنار بگذارید تا خشک شود.

۲. پنبه‌ی رنگ آمیزی شده را کمی با دست بکشید تا تقریباً به صورت نوار در آید.

۳. مطابق شکل پنبه‌ی آماده شده را به دور خود، روی مقوای بچسبانید.

۴. چوب‌های کبریت را دور تا دور پنبه، طوری بچسبانید که سر گوگردی آن بیرون باشد.



توجه:

برای رنگ آمیزی پنبه، مقدار کمی گواش زرد را در ظرفی

بریزید و چند قطره آب به آن اضافه کنید، سپس با

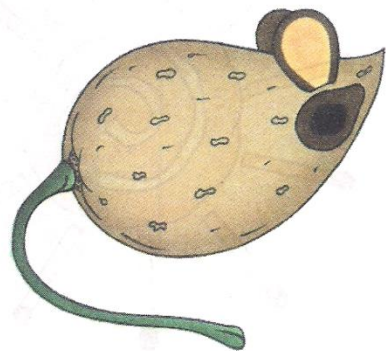
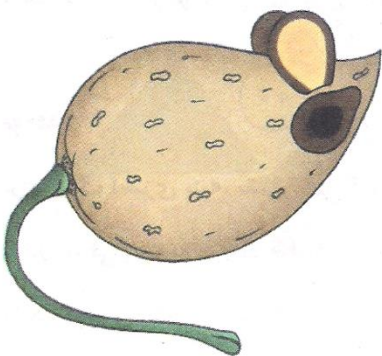
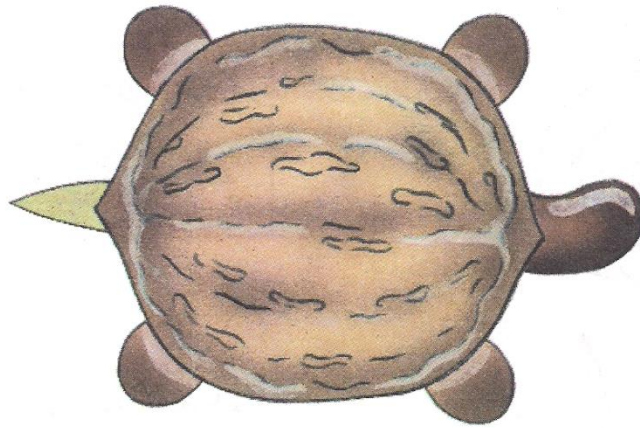
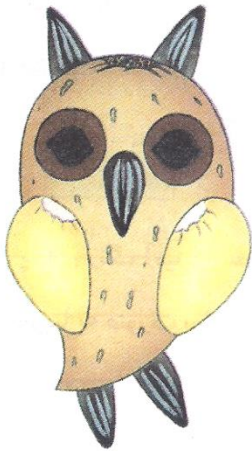
قلم مو پنبه را رنگ آمیزی کنید.

پایانی

۹

هسته‌ها

سبزه



هسته‌ها

بیشتر میوه‌ها دارای هسته هستند، شاید بدانید که با هسته‌ها می‌توانید شکل‌های زیبایی بسازید. شاید هیچ وقت این کار را انجام نداده باشید.

شما می‌توانید در هر فصلی با جمع‌آوری هسته‌های میوه‌های مختلف و حبوبات، شکل‌های متنوع و جالبی بسازد و از ساختن آن‌ها لذت ببرید.

نکات مورد توجه در کار با هسته‌ها :

۱. بعد از خوردن میوه هسته‌های آن را دور نریزید.
۲. هسته‌ها را کاملاً تمیز و خشک کنید.
۳. هسته‌های مختلف را در ظرف‌های جداگانه نگهداری کنید.
۴. از هسته‌های کوچک برای قسمت‌های کوچک و از هسته بزرگ برای قسمت‌های اصلی شکل استفاده کنید.
۵. برای چسباندن هسته‌ها، می‌توانید از چسب مایع، چسب چوب، سریش، چسب نواری و ... استفاده کنید.
۶. علاوه بر هسته‌های میوه‌های مختلف، می‌توانید از تخمه، گردو، بادام، پسته و ... نیز استفاده کنید.

موش

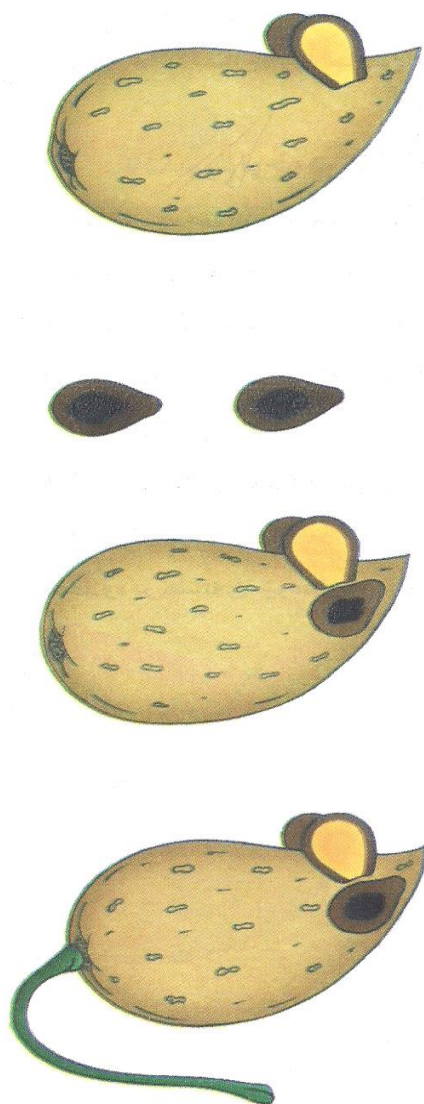
وسایل لازم: بادام درشت، پوست تخمه ژاپنی، دم گیلان، تخمه آفتابگردان، چسب و قیچی.

۱. مطابق شکل برای گوش‌ها، پوست‌های تخمه ژاپنی را در دو طرف سر بادام به صورتی بچسبانید که دو سطح داخلی پوست به سمت بیرون باشد.

۲. برای چشم‌ها ابتدا، یک تخمه آفتابگردان را با قیچی ببرید، سپس روی سطح بیرونی تخمه ژاپنی بچسبانید.

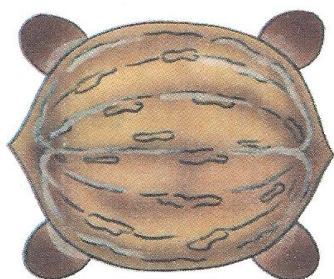
۳. چشم‌های آماده شده را در زیر گوش‌ها، در دو طرف بادام بچسبانید.

۴. دم گیلان را، به شکل دل‌خواه، در انتهای بادام بچسبانید.

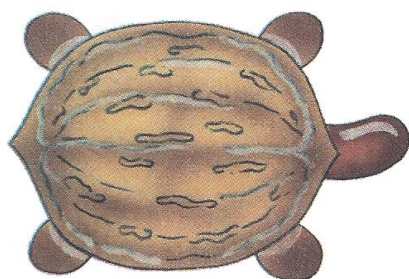


لاک پشت

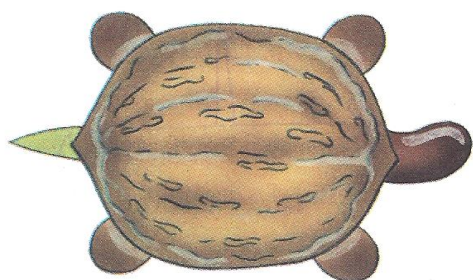
وسایل لازم: نصف پوست گردو، ۴ عدد تخمه
ژاپنی، یک عدد تخمه کدو، یک عدد لوبیای
قرمز و چسب.



۱. مطابق شکل برای پاهای لاک پشت، چهار
عدد تخم ژاپنی را در دو لبه‌ی نصف پوست
گردو بچسبانید.



۲. برای سر لاک پشت، یک عدد لوبیای قرمز
را به یک سر نصف پوست گردو بچسبانید،
به طوری که نیمی از لوبیا در داخل قرار گیرد.



۳. برای دم لاک پشت، یک عدد تخمه کدو را
به سر دیگر نصف پوست گردو بچسبانید.

توجه:

دقت داشته باشید که برای چسباندن پاهای لاک پشت،
سر تخمه‌ها بیرون قرار گیرند.

جغد

وسایل لازم: بادام درشت، تخمه آفتابگردان ۶ عدد، پوست پسته، مغز فندق، چسب و قیچی.

۱. مطابق شکل برای چشم‌ها، ابتدا دو تکه‌ی کوچک

تخمه آفتابگردان را روی هر یک از نیمه‌های مغز فندق چسبانده، سپس آن‌ها را روی بادام بچسبانید.



۲. مطابق شکل برای بینی (منقار)، یک تخمه آفتابگردان

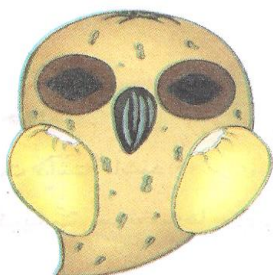
را مابین دو چشم بچسبانید به طوری که سر

تخمه آفتابگردان به طرف پایین باشد.



۳. مطابق شکل، برای بال‌ها، پوست‌های پسته

را روی بادام بچسبانید.





۴. مطابق شکل، برای گوش‌ها، دو تخمه آفتابگردان را از طرف پشت به سر بچسبانید.



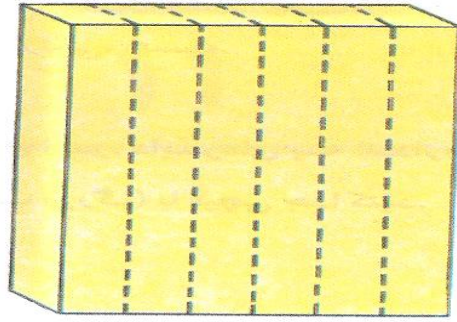
۵. مطابق شکل، برای پاها، دو تخمه آفتابگردان بچسبانید.

توجه:

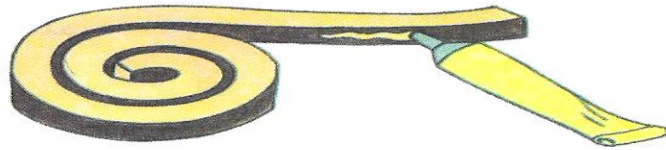
دقت داشته باشید که بال‌ها چشم و بینی را روی یک سطح بادام، گوش‌ها و پاها را در سطح دیگر بچسبانید.

۱۰

کار با ابر



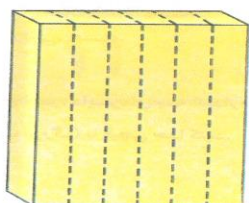
ساز مدار



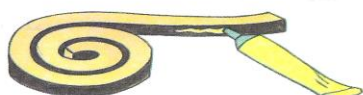
پایه

شیرینی رولت

وسایل لازم: ابر، قیچی، چسب چوب



۱. ابر مستطیل (مربع) شکل نازکی را، در اندازه‌ی دلخواه، مانند نمونه به صورت نوارهای باریکی برش بزنید.



۲. نوارهای بریده شده را، یکی یکی لوله کنید و در هنگام کار (لوله کردن)، چسب چوب بزنید تا باز نشود. (در صورت دلخواه قبل از چسباندن نوارها می‌توانید یک طرف نوارها را سفید رنگ کنید تا مانند خامه سفید شود.)



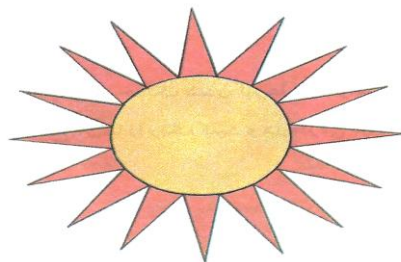
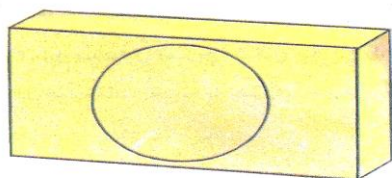
۳. پس از خشک شدن چسب، با گواش قهوه‌ای روی سطح آن‌ها را رنگ کنید و در ظرفی بچینید.

آموزش و پرورش

خورشید

وسایل لازم: ابر به کلفتی ۲ سانتی متر،

پارچه، مقوای رنگی، چسب.



۱. روی ابر، دایره‌ای به اندازه‌ی دلخواه

(بشقاب بزرگ) با قیچی جدا کنید.

مریجان گرامی:

۲. روی مقوای رنگی، به تعداد مورد نیاز،

شکل اشعه‌ی خورشید بکشید و با قیچی

آن‌ها را جدا کنید.

۳. مطابق شکل اشعه‌ها را روی یک سطح ابر، و

در فاصله‌های مساوی بچسبانید.

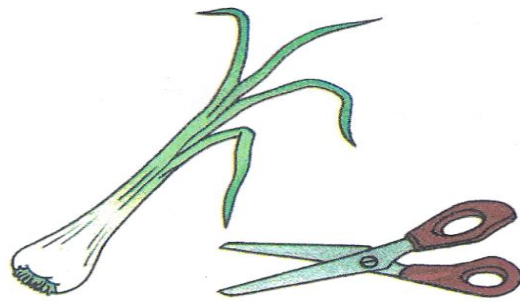
توجه:

شما می‌توانید خورشید خود را با پولک، روبان و ... تزئین کنید.

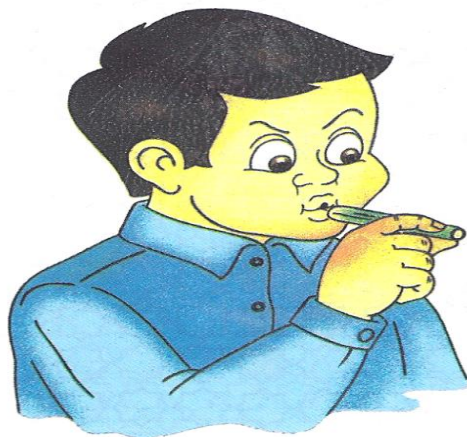
شما می‌توانید سطح خورشید را با طلق بپوشانید.

۱۱

صدا سازها



سازمان آموز



تثابته

سوت سوتک

وسایل لازم: قیچی، کاغذ

مربیان گرامی:

مطابق شکل کاغذ را به اندازه‌ی دلخواه

رولت کنید و در اختیار دانش آموزان قرار دهید.

۱. کاغذ رولت شده را با قیچی جدا کنید.

۲. از روی خط چین، در جهت حرکت فلش، به رو تا بزنید.

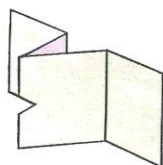
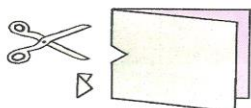
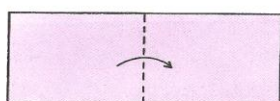
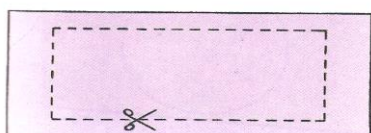
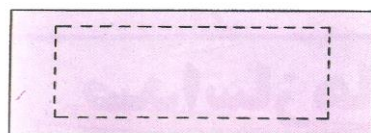
۳. مطابق شکل، از خطِ تا، برش کوچکی بزنید.

۴. از روی خط چین لبه‌ی جلو را به رو و لبه‌ی پشت را

به زیر تا بزنید.

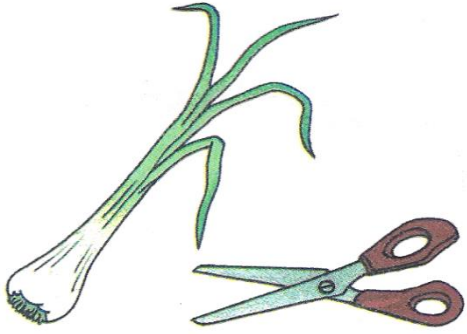
۵. سوت سوتک را جلوی دهان خود قرار دهید و محکم

فوت کنید.



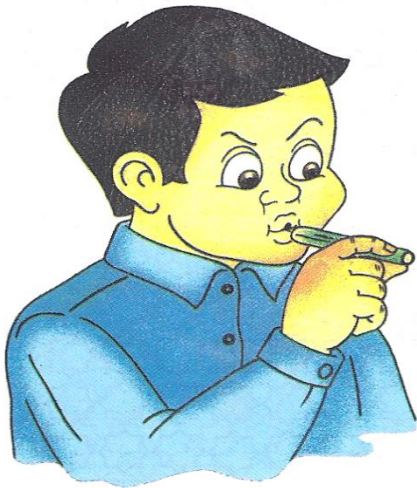
سوت سوتک ساقه‌ی پیازچه

وسایل لازم: قیچی، پیازچه‌ی بزرگ



۱. مطابق شکل پیازچه را به اندازه‌ی دلخواه (حدود ۷ سانتی‌متر) با قیچی ببرید.

۲. درون ساقه‌ی بریده شده‌ی پیازچه بدمید تا به صدا درآید.

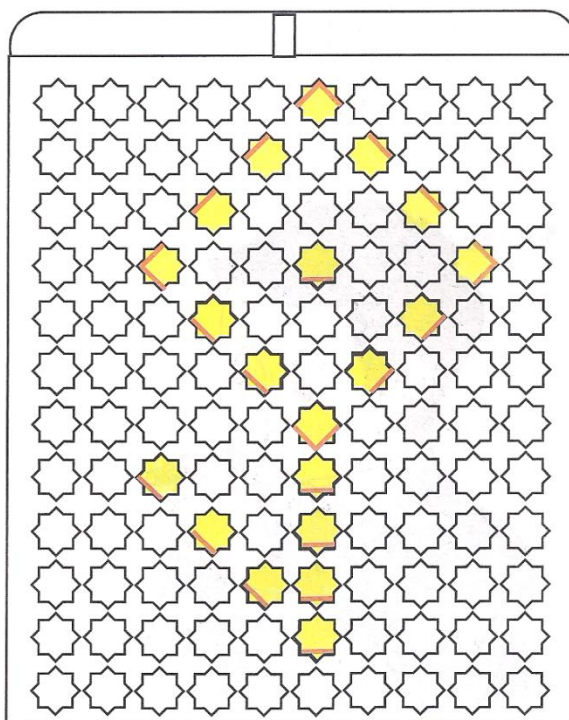
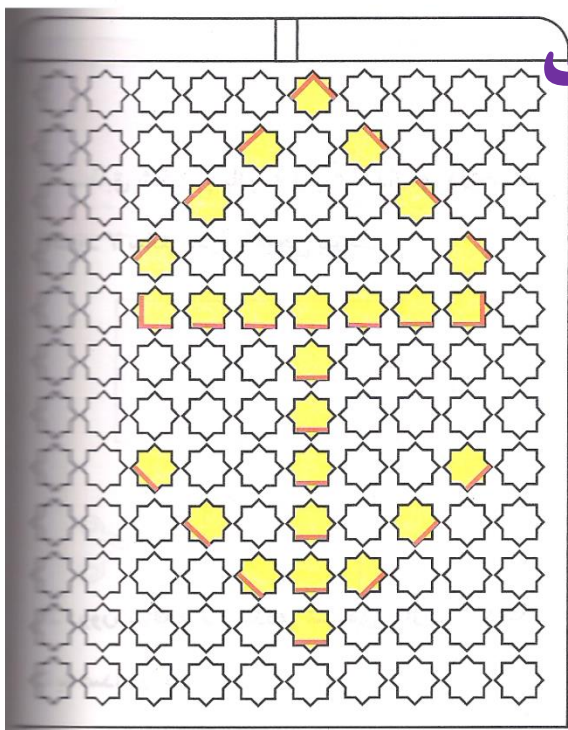


بخش دوم

۱۲

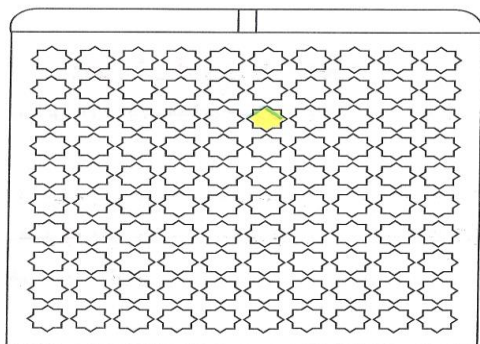
سازه

نقاشی

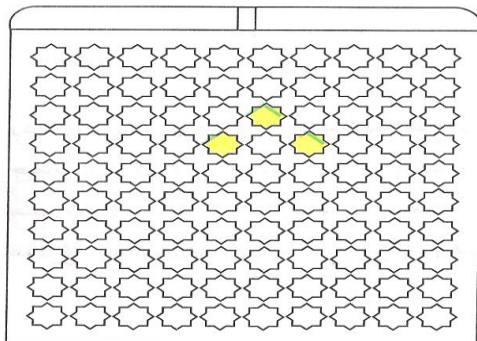


آموزش ساخت لوزی با ۴ مهره

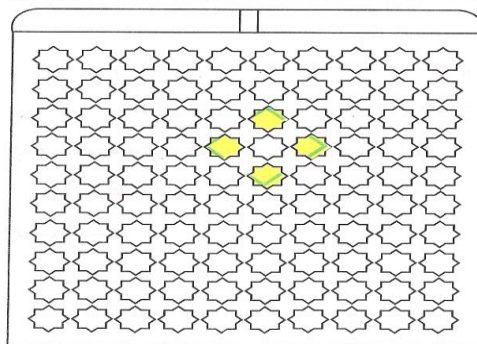
وسایل لازم: مهره‌های جبری، لوح حساب پیشرفته.



ردیف اول: یک مهره‌ی جبری در لوح حساب قرار دهید. به طوری که گوشه‌ی (رأس) برجسته‌ی آن به طرف بالا باشد.



ردیف دوم: دو مهره‌ی جبری به صورت افقی در لوح حساب قرار دهید به طوری که در خارج دو طرف مهره‌ی اول قرار گیرند و گوشه‌ی (رأس) برجسته‌ی آن‌ها به طرف بیرون (راست و چپ) باشند.



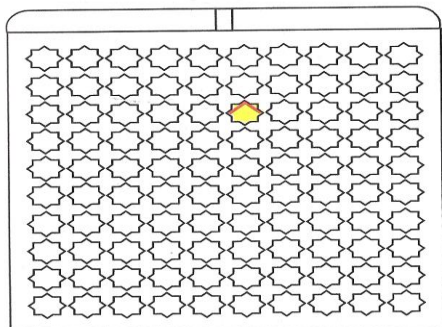
ردیف سوم: یک مهره‌ی جبری در لوح حساب قرار دهید به طوری که در داخل مهره‌های ردیف دوم قرار گیرد و گوشه‌ی (رأس) برجسته‌ی آن به طرف پایین باشد.

مربیان گرامی:

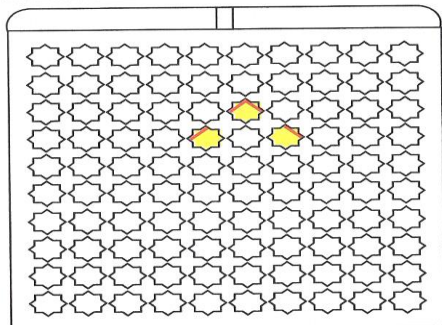
در زمان انجام فعالیت به طرز قرار دادن مهره‌های جبری در لوح حساب دقت کنید و دانش‌آموزان را راهنمایی کنید.

آموزش لوزی با ۸ مهره

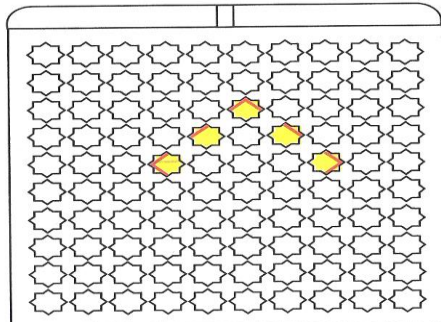
وسایل لازم: مهره‌های جبری، لوح حساب پیشرفته.



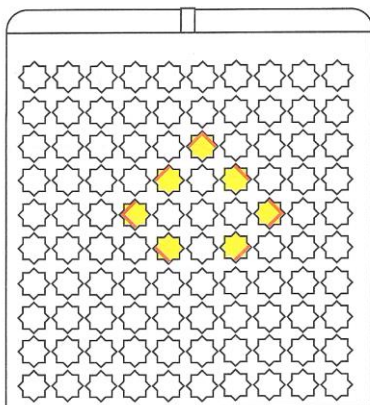
ردیف اول: یک مهره‌ی جبری در لوح حساب قرار دهید. به طوری که گوشه‌ی (رأس) برجسته‌ی آن به طرف بالا باشد.



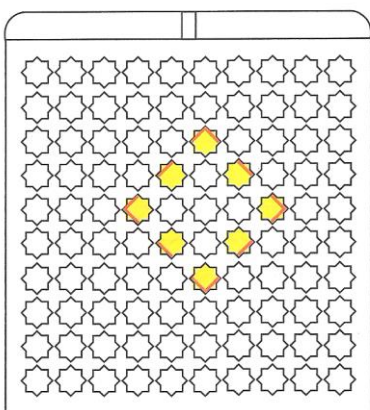
ردیف دوم: دو مهره‌ی ساده به صورت افقی در لوح حساب قرار دهید به طوری که در خارج دو طرف مهره‌ی اول قرار گیرند و مهره سمت راست عدد ۵ مهره سمت چپ عدد ۳ را نشان دهند.



ردیف سوم: دو مهره‌ی جبری به صورت افقی در لوح حساب قرار دهید به طوری که در خارج دو طرف مهره‌های ردیف دوم قرار گیرند و گوشه‌های (رأس) برجسته‌ی آن به طرف بیرون (راست و چپ) باشند.



ردیف چهارم: دو مهره‌ی ساده به صورت افقی در لوح حساب قرار دهید به طوری که در داخل مهره‌های ردیف سوم قرار گیرند. مهره‌ی سمت راست عدد ۷ مهره‌ی سمت چپ عدد ۱ را نشان دهند.



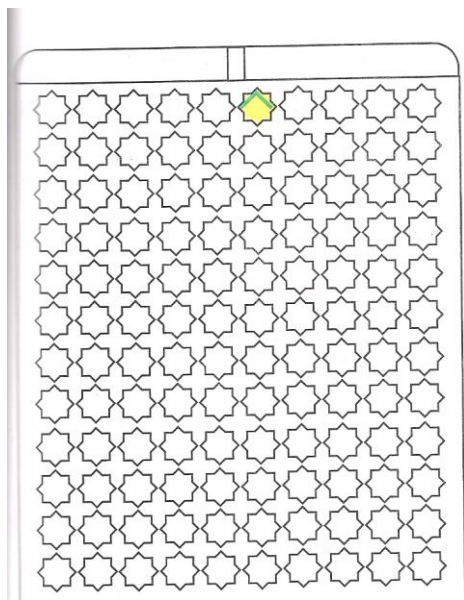
ردیف پنجم: یک مهره‌ی جبری در لوح حساب قرار دهید به طوری که در داخل مهره‌های ردیف چهارم قرار گیرد و گوشه‌ی (رأس) برجسته‌ی آن به طرف پایین باشد.

بازی و تمرین:

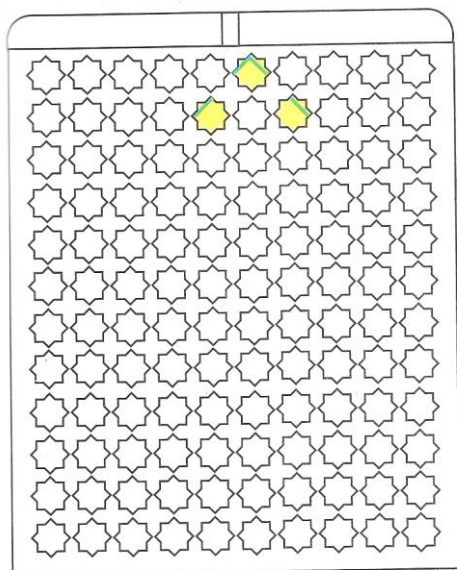
با مهره‌های بیشتر لوزی‌هایی در اندازه‌های مختلف (بزرگ‌تر) درست کنید.

گل ۱

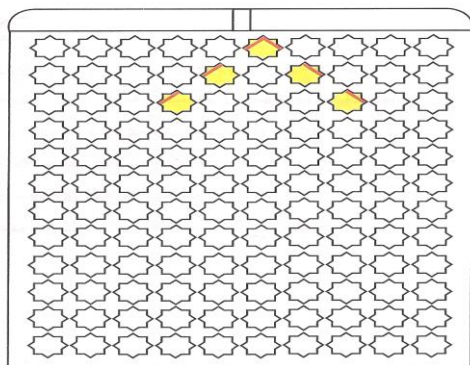
وسایل لازم: مهره‌های جبری و ساده، لوح پیشرفته،



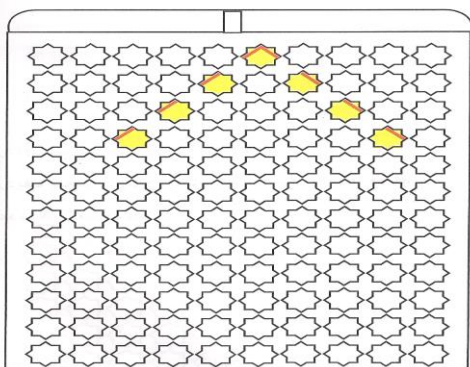
ردیف اول: یک مهره‌ی جبری در لوح حساب قرار دهید به طوری که گوشه (رأس) برجسته‌ی آن به طرف بالا باشد.



ردیف دوم: دو مهره‌ی ساده به صورت افقی در لوح حساب قرار دهید به طوری که در خارج دو طرف مهره‌ی ردیف اول قرار گیرند و مهره‌ی سمت راست عدد ۵ و مهره‌ی سمت چپ عدد ۳ را نشان دهند.



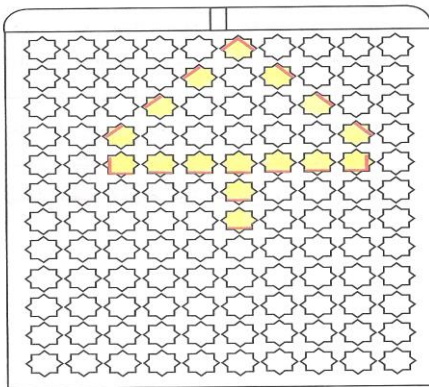
ردیف سوم: دو مهره‌ی ساده به صورت افقی در لوح حساب قرار دهید به طوری که در خارج دو طرف مهره‌های ردیف دوم قرار گیرند و مهره‌ی سمت راست، عدد ۵ و مهره‌ی سمت چپ عدد ۳ را نشان دهند.



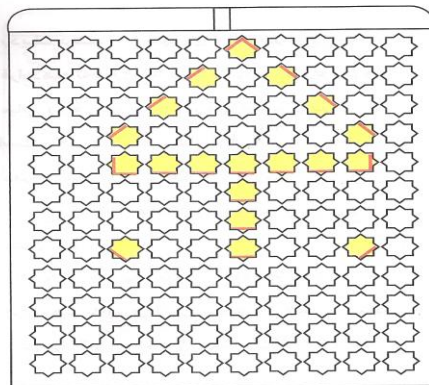
ردیف چهارم: دو مهره‌ی ساده به صورت افقی در لوح حساب قرار دهید به طوری که در خارج دو طرف مهره‌های ردیف سوم قرار گیرند و مهره‌ی سمت راست عدد ۵ و مهره‌ی سمت چپ عدد ۳ را نشان دهند.

ردیف پنجم: دو مهره‌ی جبری و پنج مهره‌ی ساده به صورت افقی و به ترتیب از زیر مهره‌ی ردیف چهارم در لوح حساب شروع کنید به طوری که مهره‌ی اول و هفتم جبری باشند و مهره‌ی اول حرف «ج» بریل و مهره‌ی هفتم حرف «ه» بریل باشند و پنج مهره‌ی ساده (وسط) شماره‌ی ۸ را نشان دهند.

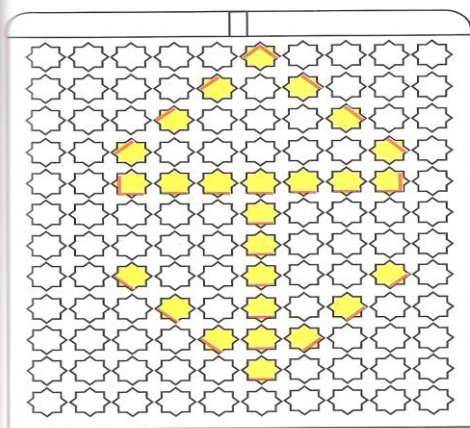
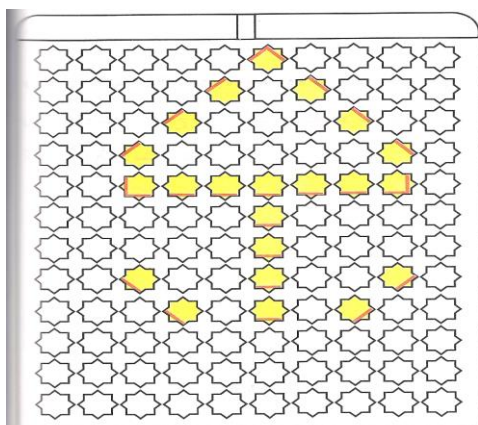
ردیف ششم: یک مهره‌ی ساده زیر مهره‌ی چهارم ردیف پنجم در لوح حساب قرار دهید به طوری که عدد ۸ را نشان دهد.



ردیف هفتم: یک مهره‌ی ساده در زیر مهره‌ی ردیف ششم، در لوح حساب قرار دهید به طوری که عدد ۸ را نشان دهد.



ردیف هشتم: سه مهره‌ی ساده در لوح حساب قرار دهید به طوری که یکی از مهره‌ها در زیر مهره‌ی ردیف هفتم و دو مهره‌ی دیگر با فاصله‌ی دو خانه‌ی خالی قرار گیرد به صورتی که مهره‌ی سمت راست عدد ۷ و مهره‌ی سمت چپ عدد ۱ را نشان دهند.
(مهره‌ی میانی عدد ۸ را نشان دهد)



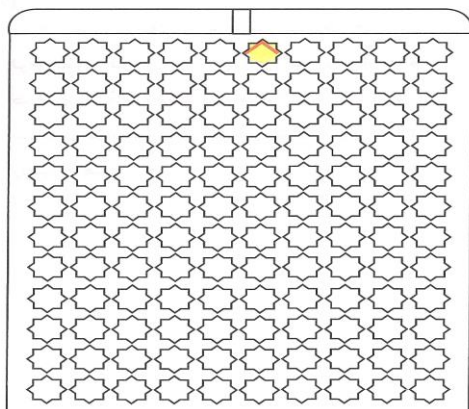
ردیف نهم: سه مهره‌ی ساده در لوح حساب قرار دهید
 به طوری که یکی از مهره‌ها، زیر مهره‌ی میانی ردیف
 هشتم و دو مهره‌ی دیگر با فاصله‌ی یک خانه خالی
 قرار گیرد به صورتی که مهره‌ی سمت راست، عدد ۷
 و مهره‌ی سمت چپ، عدد ۱ را نشان دهند.
 (مهره‌ی میانی عدد ۸ را نشان دهد)

ردیف دهم: سه مهره‌ی ساده در لوح حساب قرار
 دهید به طوری که یکی از مهره‌ها را زیر مهره‌ی میانی
 ردیف نهم و دو مهره‌ی دیگر را در طرف راست و چپ
 آن بدون فاصله قرار دهید، به طوری که مهره‌ی سمت
 راست عدد ۷ و مهره‌ی سمت چپ عدد ۱ را نشان
 دهد (مهره‌ی میانی عدد ۸ را نشان دهد).

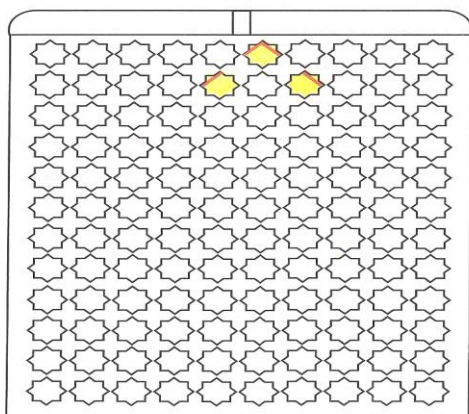
ردیف یازدهم: یک مهره‌ی ساده در لوح حساب قرار
 دهید به طوری که زیرمهره‌ی میانی ردیف دهم قرار
 گیرد و عدد ۸ را نشان دهد.

گل ۲

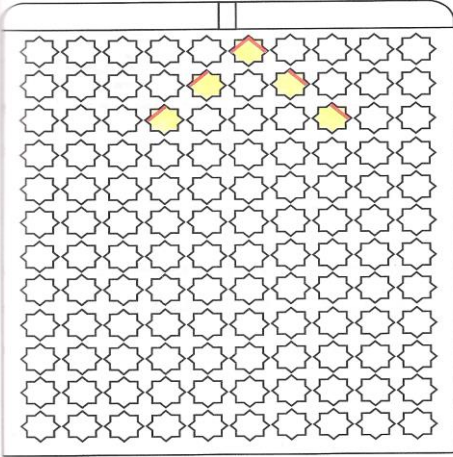
وسایل لازم: مهره‌های جبری ساده، لوح حساب پیشرفته.



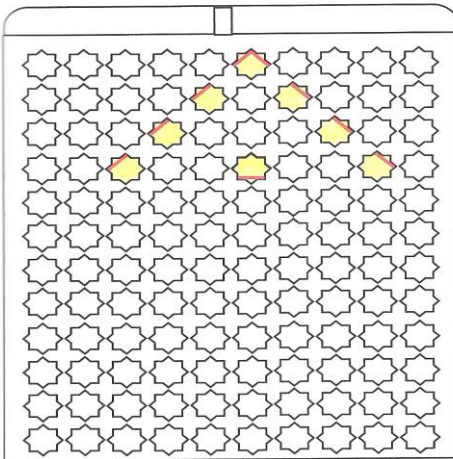
ردیف اول: یک مهره‌ی جبری در لوح حساب قرار دهید به طوری که گوشه‌ی (رأس) برجسته‌ی آن به طرف بالا باشد.



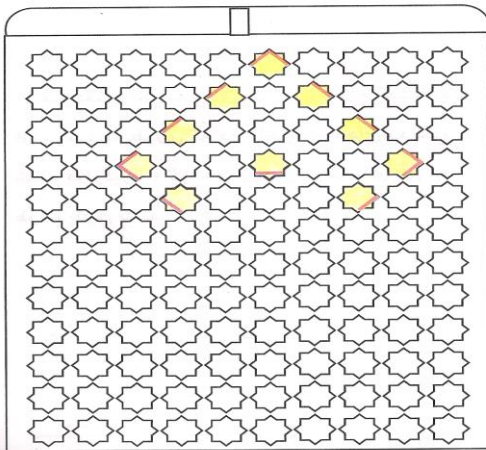
ردیف دوم: دو مهره‌ی ساده به صورت افقی در لوح حساب قرار دهید به طوری که در خارج دو طرف مهره‌ی ردیف اول قرار گیرند و مهره‌ی سمت راست عدد ۵ و مهره‌ی سمت چپ عدد ۳ را نشان دهند.



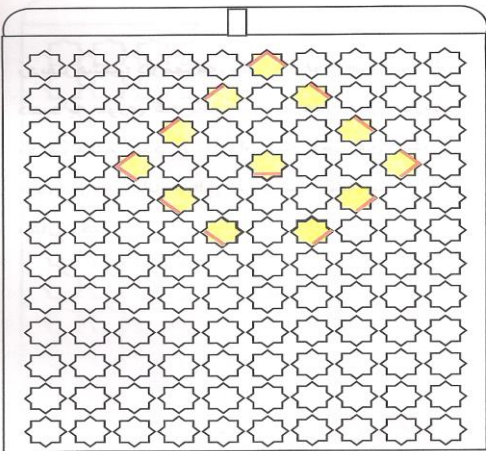
ردیف سوم: دو مهره‌ی ساده به صورت افقی در لوح حساب قرار دهید به طوری که در خارج دو طرف مهره‌های ردیف دوم قرار گیرند و مهره‌ی سمت راست، عدد ۵ و مهره‌ی سمت چپ عدد ۳ را نشان دهند.



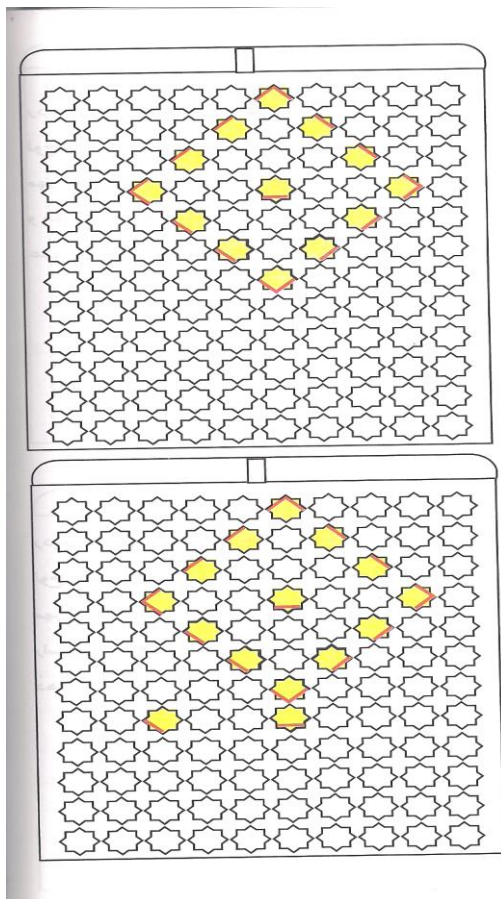
ردیف چهارم: دو مهره‌ی جبری به صورت افقی در لوح حساب قرار دهید به طوری که در خارج دو طرف مهره‌های ردیف سوم قرار گیرند و گوشه‌ی (رأس) برجسته‌ی آن به طرف بیرون (راست و چپ) باشند و یک مهره‌ی ساده، وسط دو مهره قرار دهید به طوری که شماره ۸ را نشان دهد.



ردیف پنجم: دو مهره‌ی ساده به صورت افقی در لوح حساب قرار دهید به طوری که در داخل مهره‌های اول و آخر ردیف چهارم قرار گیرند، و مهره‌ی سمت راست، عدد ۷ و مهره‌ی سمت چپ عدد ۱ را نشان دهند.



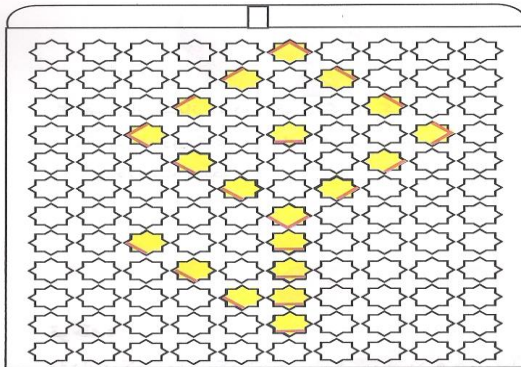
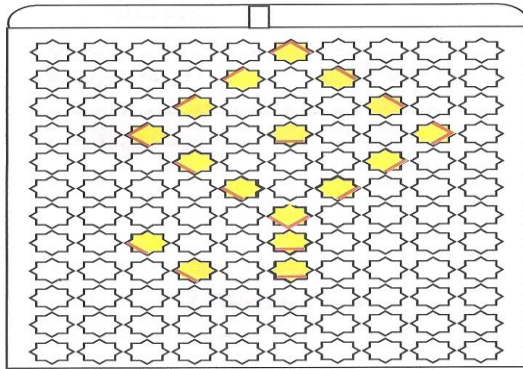
ردیف ششم: دو مهره‌ی ساده به صورت افقی در لوح حساب قرار دهید به طوری که در داخل مهره‌های ردیف پنجم قرار گیرند و مهره‌ی سمت راست، عدد ۷ و مهره‌ی سمت چپ عدد ۱ را نشان دهند.



ردیف هفتم: یک مهره‌ی جبری در لوح حساب قرار دهید به طوری که در داخل مهره‌های ردیف ششم قرار گیرد و گوشه‌ی (رأس) برجسته‌ی آن به طرف پایین باشد.

ردیف هشتم: دو مهره‌ی ساده در لوح حساب قرار دهید به طوری که یکی از مهره‌ها زیر مهره‌ی ردیف هفتم، عدد ۸ را نشان دهد و مهره‌ی دیگر با فاصله‌ی دو خانه خالی در سمت چپ عدد ۱ را نشان دهد.

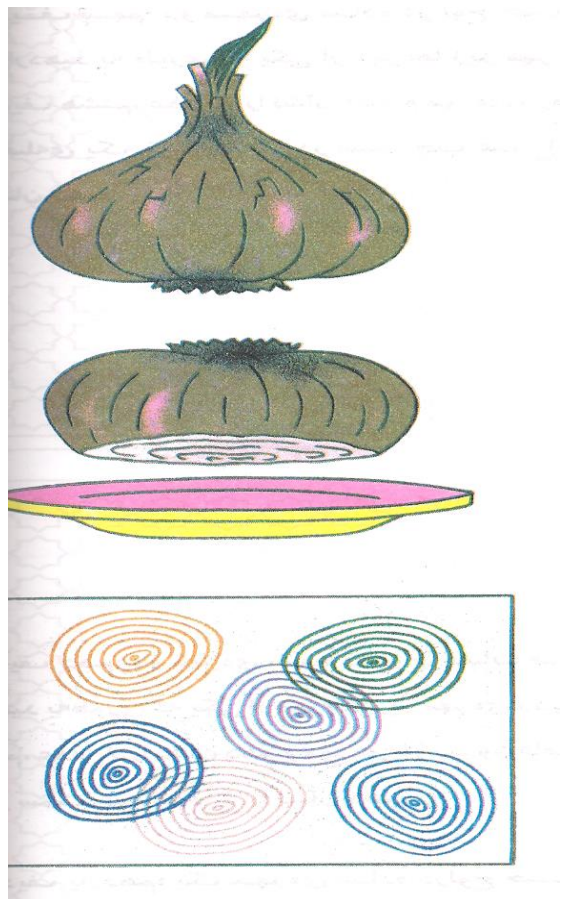
نتیجه



ردیف نهم: دو مهره ساده در لوح حساب
 قرار دهید به طوری که یکی از مهره‌ها
 زیر مهره ی ردیف هشتم عدد ۸ را نشان
 دهد و مهره ی دوم با فاصله ی یک خانه ی
 خالی در سمت چپ عدد ۱ را نشان دهد.
 ردیف دهم: دو مهره ی ساده در لوح حساب
 قرار دهید به طوری که یکی از مهره‌ها زیر مهره ی
 ردیف نهم، عدد ۸ را نشان دهد و مهره ی دوم
 بدون فاصله در سمت چپ عدد ۱ را نشان دهد.

چاپ پیاز

وسایل لازم: پیاز، کارد، رنگ گواش



مریجان گرامی:

پیاز را از وسط نصف کنید و در اختیار دانش آموزان قرار دهید.

۱. پیاز را در رنگ گواش فرو کنید، سپس روی کاغذ فشار دهید.

۲. هر بار پیاز را روی یک رنگ از گواش فرو کنید و روی کاغذ فشار دهید و تابلوی زیبایی درست کنید.

توجه:

مقدار کمی رنگ گواش در ظرفی بریزید و چند قطره آب به آن اضافه کنید تا رقیق شود.

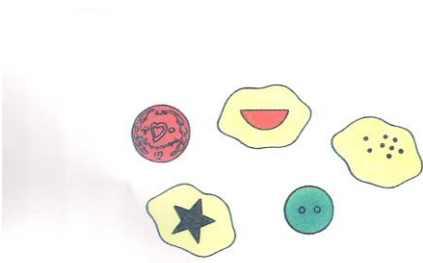
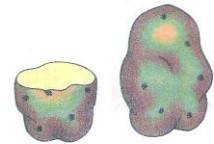
چاپ سیب زمینی

وسایل لازم: سیب زمینی، رنگ گواش، دکمه، پول و کارت

مربیان گرامی:

سیب زمینی را از وسط نصف کنید و در اختیار

دانش آموزان قرار دهید.



۱. با قلم بریل یا وسیله‌ای نوک تیز، روی سطح

سیب زمینی، طرحی را درست کنید سپس

سیب زمینی را در گواش فرو کنید و روی کاغذ

فشار دهید.

۲. روی سطح سیب زمینی، دکمه، پول و ... بچسبانید

و آن را در گواش فرو کنید و روی کاغذ فشار دهید.

بخش سوم

۱۳

قصه و شعر

سازمان آموزش

قصه و شعر



حسنى گل پسره با عم قزى همسفره

نگارش (شاعر): ژيلا احمدى

هدف: آموزشى (آشنايى با شهرهاى مهم ايران، صنايع دستى و سوغاتىهاى معروف هر شهر)

دويدم و دويدم	به يك باغى رسيدم
پراز گلهاى خوشبو	نرگس و ياس و شب بو
چندا تا بچه كوچولو	لپ گلى مثل هلو
با هم بازى مى كردند	با يك ديگر مى خواندند

* * * *

اتل متل توتوله	گاو حسن چه خوبه
گاو هست در ايران	نرفته به هندوستان
شيرش و خورديم با دوستان	مسواك زدويم به دندان

* * * *

اتل متل توتوله	حسن ما چه خوبه
گفته حسن به دوستان	به دوستان مهربان
مى روم به زيارت	به گردش و سياحت
اما گاو من اين جاست	مدتى نزد شماست
گفتيم خدا همراحت	برگردي به سلامت

حسنى مهربان
با عم قزى و دوستان
اول رفتند زيارت
بعد خريدند زعفران

آن پسر خوش زبان
رفتند سوى خراسان
به گردش و سياحت
جا نماز و چند قرآن

* * * *

به شهر نصف جهان
ميدان نقش جهان
چهل ستون و پل خواجه
ديدند سفره قلم كار
 صنايع دستى ديدند

بعد هم رفتند اصفهان
ديدند منار جنبان
سى و سه پل و عالى قاپو
رفتند به سوى بازار
گزا اعلا خريدند

* * * *

سوار يك قطار شدند
گل خورشيد را ديدند
شدند سوار الاغ
چه سرسبز و چه آباد

باز دوباره سوار شدند
به شهر يزد رسيدند
رفتند درون يك باغ
در باغ دولت آباد
خريدند قدرى سوغات

باقلوا و چند قطاب

* * * *

شدند سوار ماشين
شهر قشنگ و پرناز
گل گفتند، گل شنيدند
شاه چراغ و سعديه
گيوه و پوستين خريدند

بعد آن دوتا نازنين
رفتند به سوى شيراز
دروازه قرآن ديدند
رفتند به حافظيه
بازار وكيل را ديدند

هرچه خواستند خریدند	وقتی همه جا را دیدند
به پایتخت ایران	آمدند به شهر تهران
همان کلاه قرمزی	رفتیم به نزد عم قزی
جا نماز و قرآن داد	عم قزی به ما سوهان داد
خوش رنگ و خوب و گلی	با چند توپ قل قلی
باعلی و با نازی	رفتیم زمین بازی

* * *

هم کرد و هم کرمانی	ما بچه های ایرانی
اصفهانی و شیزازی	شمالی و اهوازی
ترکمن و آذری	بلوچ و بختیاری
گاو خوب و نازش	با حسنی و گاوش
قدر آن را می دانیم	توی ایران می مانیم

* * *

سرسبز و گلستان است	کشور ما ایران است
همه با هم مهربان	ما هستیم گل های آن
بر لب داریم ترانه	چه خوب و کودکانه
می کشیم از دل فریاد	شادِ شادِ شادِ شاد
با ما بشو یک زبان	تو هم ای مهربان
ایران ! ایران ! ایران !	بگوییم از دل و جان

هایدی

نویسنده: جوهانا اسپایری

ترجمه: بیژن نامجو

هدف: آموزشی و تربیتی

صبح بود. خورشید در آسمان می‌درخشید و بر کوه‌های زیبای آلپ نور می‌پاشید. زن جوانی، همراه با دختر کوچکی در جاده‌ی کوهستانی بالا می‌رفتند.

اسم زن «دتی» بود. او خواهرزاده‌اش «هایدی» را به خانه‌ی «عمو آلپ» می‌برد. عمو آلپ پدر بزرگ هایدی بود و سال‌ها بود که تنها در کلبه‌اش زندگی می‌کرد. خاله دتی عجله داشت تا زودتر به کلبه‌ی پدر بزرگ برسد.

خاله دتی و هایدی، به کلبه‌ی عمو آلپ رسیدند. خاله دتی در زد. عمو آلپ با صدای بلند جواب داد: «کیه؟» و در را باز کرد. خاله دتی به داخل کلبه‌ی پیرمرد رفت. ولی هایدی پیش بزغاله‌هایش رفت که در آن نزدیکی می‌چریدند.

خاله دتی روی نیمکتی نشست و گفت: «هایدی را آورده‌ام. تا چند ماهی پیش شما بماند. من چهار سال تمام از او مراقبت کردم، ولی مجبورم به فرانکفورت بروم و کار کنم. نمی‌توانم هایدی را با خودم ببرم.» خاله دتی همان روز از آنجا رفت و هایدی تا شب با بزغاله‌ها بازی می‌کرد.

وقتی صبح شد، پدر بزرگش صبحانه را آماده کرده بود. نان، پنیر و شیر بز. هایدی با اشتها، صبحانه‌اش را خورد و رو به پدر بزرگ گفت: «عجب شیر و پنیر خوشمزه‌ای! تا حالا شیر و پنیر به این خوشمزه‌گی نخورده بودم!»

عمو آلپ چشم از نوه‌اش بر نمی‌داشت. صدای خنده و شادی هایدی، پیرمرد را شاد و دل او را نرم کرد. هایدی از کلبه بیرون دوید، تا با «پیتر» و بزغاله‌هایش بازی کند. هایدی تا شب به دنبال بزغاله‌ها دوید و سبزه زارها را زیر پا گذاشت. وقتی می‌خواستند به خانه برگردند، خورشید به کوه‌های مغرب نزدیک شده بود و کناره‌های افق به رنگ‌های سرخ و زرد در آمده بود.

پیتر مادر بزرگی داشت که اسمش «گرانی» بود. مادر بزرگ گرانی، نابینا بود و همیشه در گوشه‌ای می‌نشست. روزی هایدی به دیدن مادر بزرگ رفت. پیتر از شنیدن صدای دلنشین هایدی و شیرین زبانی‌های او خیلی خوشحال شد و از هایدی خواست که باز هم به خانه آن‌ها برود.

هایدی هر روز برای دیدن مادر بزرگ و خوردن چای به خانه‌ی مادر بزرگ می‌رفت و با او حرف می‌زد.

یک روز کشیش دهکده به کلبه‌ی عمو آلپ آمد و از او خواست تا هایدی را به مدرسه بفرستد. ولی عمو آلپ، رو به کشیش گفت: «من اجازه نمی‌دهم هایدی به مدرسه برود. چون در راه سرما می‌خورد و خسته و مریض می‌شود.»

کشیش دهکده بدون گرفتن نتیجه‌ای برگشت.

روز بعد اتفاق دیگری افتاد. خاله دتی به کلبه‌ی عمو آلپ آمد تا هایدی را با خود ببرد. او می‌خواست هایدی را به فرانکفورت ببرد، هایدی دوست نداشت همراه خاله دتی برود. اما خاله دتی او را مجبور کرد.

خاله دتی گفت: «اگر به انجا بیایی می‌توانی برای مادر بزرگ گرانی، سوغاتی و نان سفید نرم هم بیاوری.» هایدی با شنیدن این حرف خوشحال شد و راضی شد تا همراه خاله دتی به فرانکفورت برود. عمو آلپ، از رفتن هایدی ناراحت بود.

خاله دتی و هایدی به فرانکفورت رسیدند و به خانه‌ی «کلارا» رفتند. کلارا پاهایش فلج بود و روی صندلی چرخ‌دار می‌نشست. مادرش سال‌ها قبل از دنیا رفته و پدرش آقای «سسمان» تاجر بود و بیشتر وقت‌ها به مسافرت می‌رفت. آقای «سسمان» کارهای خانه‌اش را به خانه «رتن مایر» سپرده بود. وقتی خانم رتن مایر، هایدی را دید، پرسید: «کلاس چندم هستی؟» هایدی گفت: «من اصلاً به مدرسه نرفته‌ام.»

این جواب خانم رتن مایر را عصبانی و ناراحت کرد. کلارا و هایدی، خیلی با هم دوست شدند. وقتی سر میز شام نشستند، هایدی نان سفیدی را که به او داده بودند، نخورد و در جیب پیش‌بندش مخفی کرد تا برای مادر بزرگ گرانی ببرد.

هایدی فکر کرد با این کار، مادر بزرگ گرانی را خوشحال می‌کند. خانم رتن مایر هایدی را دید که در جیبش چیزی مخفی کرده، به طرف هایدی آمد و گفت: «در جیب چه داری؟» وقتی هایدی نان را بیرون آورد، هانم رتن مایر نان را گرفت و او را دعوا کرد.

هایدی وقتی تنها شد، خیلی گریه کرد و به یاد کلبه‌ی پدر بزرگ و کوه‌های زیبای آلپ افتاد. در یکی از شب‌ها، صدای عجیبی به گوش خانم رتن مایر رسید، کمی ترسید، رفت و نوکر خانه را صدا کرد. آن‌ها به راه‌رو رفتند، هنوز هم صدا به گوش می‌رسید. در همین لحظه، در باز شد و شبخ سفید رنگی از اتاق بیرون آمد. خانم رتن مایر، از ترس جیغ بلندی کشید و بر زمین افتاد.

دومین بار که خانم رتن مایر، شبخ را دید، نامه‌ای برای پدر کلارا نوشت و از او خواست تا به خانه‌اش برگردد. دو روز بعد، پدر کلارا از دوستش که پزشک بود دعوت کرد تا به خانه‌ی آن‌ها بیاید و به آن‌ها کمک کند تا مسأله‌ی شبخ را حل کنند.

آن‌ها در گوشه‌ی خلوت و تاریکی به انتظار نشستند. وقتی ساعت نیمه شب را اعلام کرد، آن‌ها شبخ سفید رنگ را دیدند، اول کمی ترسیدند، ولی با احتیاط آن را دنبال کردند و سرانجام متوجه شدند که این شبخ،

هایدی است که در خواب راه می‌رود. دکتر، هایدی را معاینه کرد و با او حرف زد و آخر به این نتیجه رسیدند که هایدی در اثر تنهایی و دوری از پدربزرگ و سبزه‌زار های آلپ، به نوعی بیماری دچار شده و شب‌ها در خواب راه می‌رود.

پدر کلارا از شنیدن این حرف، تصمیم گرفت که هایدی را پیش پدربزرگش بفرستد. کلارا ناراحت شد ولی بعد آرام گرفت و مقداری نان سفید و چند سوغاتی دیگر آماده کرد تا هایدی آن را برای مادربزرگ گرانی

ببرد. روز بعد هایدی با قطار به منطقه‌ی آلپ سفر کرد. او در حالی که از شادی فریاد می‌زد، به همه می‌گفت که، «من پیش پدربزرگم برمی‌گردم!»

پدربزرگ با دیدن هایدی، او را در آغوش گرفت و از شدت خوشحالی اشک ریخت. چند ماه بعد نامه‌ای از کلارا به هایدی رسید، کلارا نوشته بود: «می‌خواهم به آلپ بیایم و تو را ببینم. چون دلم برایت تنگ شده است.» وقتی بهار از راه رسید، کلارا هم به دیدن هایدی آمد. هایدی با دیدن کلارا، جلو دوید و او را بغل کرد و بوسید.

یک روز وقتی هایدی و کلارا با پیتر مشغول بازی بودند، صندلی چرخ دار کلارا، راه افتاد و به ته دره سقوط کرد. از آن به بعد، کلارا مجبور بود به کمک هایدی و پیتر راه برود. چند ماه گذشت.

ناگهان کلارا احساس کرد که می‌تواند بدود. فریاد زد: «وای خدای من! من می‌توانم راه بروم. ببینید، خودم به تنهایی راه می‌روم!»

کلارا دوید و دوید و بعد برگشت و رو به پیتر و هایدی گفت: «خیلی خیلی از شما متشکرم! شما کمکم کردید تا راه بروم، متشکرم!»

در همان لحظه، آقای سسمان که برای دیدن کلارا آمده بود، دخترش را دید که دارد در میان سبزه‌ها می‌دود. همه شاد و خوشحال بودند. آقای سسمان از عمو آلپ، هایدی و پیتر تشکر کرد.

گنج من

شاعر: ناصر کشاورز

نام مجله: نو آموز (دی ۷۹)

هدف: آموزشی

من چیزهای جالبی

در کوچه پیدا می‌کنم

این چیزها را چیده‌ام

در جعبه‌ای پهلوی هم

هر دانه اش را شسته‌ام

با آب و صابون تمیز

از دانه‌ی تسبیح هست

تا دکمه‌های گرد و ریز

یک قصه دارد هر کدام

در زندگی با صاحبش

سرگرم هستم در خیال

با قصه‌های جالبش

در جعبه‌ی من دکمه‌ایست

گرد و طلایی، زرد و زرد

گفتم به بابا این طلاست

بابا ولی باور نکرد

آن را نگاهی کرد و گفت:

این آشغال از آهن است

ای کاش می‌فهمید او

این چیزها گنج من است

برگ‌ها

شاعر: صفورا نیری

نام کتاب: یک تگه بال صورتی

با صدای تیز زنگ

کوچه هم از جا پرید

مدرسه تعطیل شد

موقع رفتن رسید

پر زدم از پله‌ها

می‌دویدم مثل باد

ظهر خوبی بود و من

شاد بودم، شاد شاد

کوچه روشن بود و آب

توی جو می‌رفت نرم

آفتاب مهربان

کوچه را می‌کرد گرم

پشت هم رد می‌شدند

برگ‌های زرد رنگ

با صدای خش‌خشی

مثل موسیقی، قشنگ

شادی‌آور بود و خوب

بازی برگ و نسیم

برگ‌ها پر می‌زدند

از درختی، روی سیم

ناگهان بر شانه‌ام

برگی افتاد و نشست

با تعجب گفتم: «آه

این که شکل قایق است!»

در کنارم آب جو

مثل دریا می‌شود

قایق زردم بر آب

نرم و زیبا می‌شود

۱۴

نمایش



نام نمایش: کرم ابریشم

نام نویسنده: پورنگ

زمان: ۵۰ دقیقه

شخصیت‌های اصلی: قصه‌گو، فلفلی، پدر

شخصیت‌های فرعی: مادر، قلقلی، کلاغ، پروانه

هدف: آموزشی (تبدیل کرم ابریشم به پروانه) سرگرم کننده

راهنمایی مخصوص نمایش:

- ۱- اجرا بوسیله دانش‌آموزان، با راهنمایی و نظارت مربی انجام گیرد.
- ۲- مربی نیز می‌تواند نقشی را در این نمایش به عهده بگیرد تا دانش‌آموزان را به شوق آورد.
- ۳- فضای اجرای نمایش، با درخت‌های مقوایی (ساخته دست خود دانش‌آموزان) تزیین شود.
- ۴- با توجه به آهنگین بودن متن نمایش، به هنگام تمرین و اجرا از ابزار آلات موسیقی استفاده شود و با توجه به صحنه‌ها آهنگ‌های ملایم و تند نواخته شود.
- ۵- با توجه به صحنه‌ها، تغییرات لازم را در فضای نمایش بوجود آورید.
- ۶- ماکت کرم ابریشم و پروانه را درست کنید و در صورت نیاز در صحنه‌های لازم، آن‌ها را به حرکت درآورید.

صحنه‌ی اول

قصه‌گو: یکی بود یکی نبود غیر از خدا هیچ‌کس نبود. فلفلی طبق معمول، خوشحال و شاد و سنگول نه غصّه و نه غم داشت، یک کرم ابریشم داشت. (فلفلی، حالت‌های مربوط به نمایش را، نشان دهد).

کرم ابریشم، صبح تا غروب دور و برش می‌پلکاید.

با فلفلی بازی می‌کرد، شوخی و طنازی می‌کرد، گرد می‌شد، گوله می‌شد، پهن می‌شد، دراز می‌شد، فلفلی هر روز صبح زود از توی باغ خونه‌شون، یه دست برگ توت می‌چید می‌داد به کرم ابریشم، کرم ابریشم یک ساعته، همه‌شو می‌خورد.

(فلفلی در حالی که یک کرم در دست دارد، باخوشحالی وارد صحنه می‌شود)

فلفلی: کرم ابریشم! خوش به حال من، که تو رو دارم.

قصه‌گو: قلقلی دوست فلفلی، مثل کدوی قلقلی، قل قل زنون، دوون دوون.

(قلقلی دوان دوان وارد صحنه می‌شود) دوید و اومد، دم خونه‌شون.

فلفلی: چیه قلقلی؟ چه کار داری؟

قلقلی: بچه‌ها می‌گن، میای با هم بازی کنیم؟

فلفلی: ببین قلقلی، می‌خوام بیام، اما چه کنم که کار دارم، گرفتارم اگر بیام، کرم ابریشم توی خونه تنها می‌مونه، دلش برام تنگ می‌شه غصّه می‌خوره، مریض می‌شه، نه قلقلی، برو بهشون، بگو نیام.

قصه‌گو: بود و بود و بود تا اینکه یک روز صبح زوده قبل از طلوع آفتاب، بیرون پرید از رختخواب کرم

ابریشمو، گذاشت تو اتاق، اره رو برداشت، دوید توی باغ

آن قدر بالا رفت از درخت توت، تا رسید دم لونه‌ی کلاغ

(فلفلی با یک اره دستش به طرف یک درخت برود و حالت بالا رفتن از درخت را نشان دهد)

کلاغه پرسید (کلاغ بال زنان وارد صحنه شده، در کنار درخت بایستد).

کلاغ: آقا فلفلی، تازه چه خبر، این طرفا؟ دور و بر لونه‌ی ما؟

وایسا عقب، جلو نیا، دست نزن به بچه‌ها!

بگو ببینم اومدی تو باغ چه کار کنی؟

فلفلی: یک کرم ابریشم دارم، اومدم براش غذا ببرم

قصه‌گو: فلفلی از درخت توت، یک شاخه‌ی درخت تازه برید

(فلفلی در حالی که شاخه‌ی پربرگ درختی را در دست دارد به سمت کرم برود)

پایین پرید، به دوش کشید، از توی باغ، آورد تو اتاق:

فلفلی: کرم ابریشم کجایی، برات غذا آوردم

قصه گو: کرم ابریشم پیداش نبود، این جا رو بگرد اون جا رو بگرد
این ور اتاق، اون ور اتاق، نه اینجا بود، نه اونجا
انگاری غیبت زده بود (فلفلی با حالتی پریشان در اطراف صحنه، به دنبال کرم بگردد)
(بعد از کمی سکوت)

قصه گو: بله بچه‌ها، کرم ابریشم کنار رختخواب پیچ
یه پیلای گرد و سفید دور خودش تنیده بود
داخل او خوابیده بود.
(فلفلی با حالتی گریان در گوشه اتاق بنشیند)
(مادر وارد صحنه شود و به طرف فلفلی برود)
مادر: ننه، فلفلی، غصه نخور فدای سرت
(پدر به طرف فلفلی برود)
پدر: آهای فلفلی، کجایی جونم.
فلفلی: تو ایوونم
پدر: چه کار می کنی؟
فلفلی: من چه می دونم؟
پدر: ناهار می خوری؟
فلفلی: نه نمی خورم
پدر: چایی می خوری؟
فلفلی: نه نمی خورم
پدر: میوه می خوری؟
فلفلی: نه نمی خورم
پدر: بسه دیگه، غصه نخور، پیدا می شه
فلفلی: اگه نشد چی؟
پدر: تو خونه‌ی ما تا حالا چیزی گم نشده، بعد از این هم گم نمی شه.

صحنه دوم

قصه گو: روزها گذشت، فلفلی زار و گریون، لاغر مثل نی قلیون
توی اتاق نشسته بود، پنجره‌ها رو بسته بود
صبح تا غروب غصه می خورد

(قلقلی وارد صحنه شود و به طرف فلفلی برود)

قلقلی: میای با هم بازی کنیم؟

فلفلی: نه نمیام

قلقلی: ببین فلفلی، تا چه وقت می‌خوای، غصه بخوری؟

فلفلی: تا زمانی که کرم ابریشم پیدا بشه

قلقلی: اگر پیدا نشد چی؟

فلفلی: بابام می‌گه پیدا می‌شه.

صحنه سوم

قصه‌گو: روزها به تندی می‌گذشت، کرم ابریشم پیداش نبود، فلفلی دنبالش می‌گشت.

بالآخره یک صبح زود، پروانه‌ای فریبا (پروانه را به حرکت درآورد)

با رنگ و روی زیبا، از پشت رختخواب پیچ، اوامه روی متکا

بال و پرش رو باز کرد

توی اتاق پرواز کرد

پنجره‌ها رو وا کرد، بچه‌ها رو صدا کرد:

(فلفلی در حالی که خوشحال است، به سرعت بلند شده، به طرف صندلی برود)

فلفلی: بیاین که پیله وا شد

پیدا شد! گمشده‌ام پیدا شد

قصه‌گو: پروانه از توی اتاق، پرواز کنان رفت توی باغ

پرید و پرید، آن قدر پرید، تا از نظر شد ناپدید.

(فلفلی به طرف رختخواب برود و پیله‌ی باقی‌مانده را برداشته، آن را به همه نشان بدهد)

قصه‌گو: توی اتاق فلفلی

کنار رختخواب پیچ

یک پیله باقی مانده بود، دیگر هیچ

نام نمایش: موشی بابا

نام نویسنده: مرضیه موردگر

زمان: ۳۰ دقیقه

تعداد بازیکنان:

شخصیت‌های اصلی: قصه‌گو، موشه قزی، موشی بابا

شخصیت‌های فرعی: قصاب باشی، بزاز باشی، بقال باشی

هدف: آموزشی و تربیتی

راهنمایی مخصوص نمایش:

- ۱- اجراء بوسیله‌ی دانش‌آموزان، با نظارت و راهنمایی مربی انجام گیرد.
- ۲- مربی می‌تواند نقش قصه‌گو را در این نمایش به عهده بگیرد، تا دانش‌آموزان را بر سر شوق آورد.
- ۳- فضای اجرای نمایش، با توجه به متن آن طراحی و تنظیم شود.
- ۴- به هنگام تمرین و اجراء از ابزار آلات موسیقی استفاده شود تا شادی لازم را ایجاد کند.
- ۵- با توجه به صحنه‌ها، تغییرات لازم را در فضای نمایش به وجود آورید.

صحنه اول

قصه گو: یک روزی توی قصه‌ها
موشه قزی سوخته سیا
از توی لانه خسته بود
خسته و دل شکسته بود
با خود می‌گفت:

(موشه قزی وارد صحنه شود و به آرامی در حال قدم زدن مطالب را بیان کند)

موشه قزی: موشی بابا داد می‌کشد بر سر ما
راستی شده نامهربان اخمو و تند و بد زبان

(موشه قزی زیر لب نجواکنان، از صحنه خارج شود و موشی بابا، با کیسه‌ای بر دوش وارد صحنه شود و مرتب به دور خود بگردد، به طرف زمین خم شود و حالت برداشتن چیزی از زمین را نشان دهد و به راه خود ادامه دهد.)

قصه گو:

موشی بابا صبح تا غروب
هزار تا دانه می‌کشید
لانه را غرق بار می‌کرد
شب‌ها که خیلی خسته بود
موشه قزی شاد و بلا
شروع می‌کرد بپر بپر
از زیر شاخ و برگ و چوب
دانه به لانه می‌کشید
انبار خوار و بار می‌کرد
چشمان خود را بسته بود
شیطون و پر سر و صدا
بالا می‌رفت مثل فنر

صحنه دوم

(موشی بابا در گوشه ای از صحنه بنشیند و حالت خواب بودن را نشان دهد و دوباره موشه قزی وارد صحنه شود و شروع به پریدن به این طرف و آن طرف بکند و سر و صدا ایجاد کند)

قصه گو: تا وقتی که موشی بابا از این همه سر و صدا
مغز سرش درد می‌گرفت حسابی سر درد می‌گرفت

(موشی بابا، با حالتی ناراحت و عصبانی از خواب بیدار شود و رو به موشه قزی بگوید):
موشی بابا: موشه قزی شیطونکم! موقرمزم

گوش می‌کنی؟ یا که کری
آخ که سرم را می‌بری!

قصه گو:

موشه قزی که می شنید
لبهای خود را ور می چید
با دل خوری کزی می کرد
غرغر و وزوزی می کرد
یک گوشه بی سروصدا
قهر می شد از موشی بابا

صحنه‌ی سوم

فردا که شد، موشه قزی
از لانه بیرون زد و رفت
(در گوشه‌هایی از صحنه، مغازه‌های قصابی، بزازی و بقالی درست شود و صاحبان هر یک در مغازه مشغول فروش و تبلیغ باشند تا فضای بازار طبیعی‌تر به نظر آید - موشه قزی چند بار دور صحنه بگردد تا قصه‌گو مطالب خود را تمام کند، سپس به طرف بقال باشی برود.)

قصه گو:

جیر و جیر و جیر، خِش و خِش و خِش و خِش
پیش و پیش و پیش، کِش و کِش و کِش
رفت و رفت و رفت، دوید و دوید
تــا دم بقــالی رســید.

موشه قزی:

سلام سلام مشدی حسن
گوش می کنی به حرف من؟

بقال باشی:

علیک سلام موشه قزی
شیطون بلا، موقرمزی

ماش بکشم یا باقلا؟

مویز دارم عین طلا

روغن حیوانی دارم

بسته‌ی چایی بیارم؟

موشه قزی:

نه نمی خواستم چیز و میز
روغن و چایی و مویز

این جا و آن جا می کنم
بابایی پیدا بکنم

آیا تو بابا می شوی؟
در دل من جا می شوی؟

اما نباید اخم کنی
قلب مرا زخم بکنی

(بقال باشی با ناراحتی چوبی را بردارد و به زمین بزند)

بقال باشی:

برو برو سوخته سیاه
چه پرو و چه بی حیا

ندیده نشنیده کسی
دختر من موشه قزی؟

(موشه قزی با ناراحتی دور صحنه بگردد سپس به طرف مغازه‌ی قصابی برود)

قصه‌گو: موشه قزی سوخته سیا
جیر و جیر و جیر، خِش و خِش و خِش
رفت و رفت و رفت، دوید و دوید
موشه قزی:
موقرمزی شیطون بلا
پیش و پیش و پیش، کش و کش و کش
تا دم قصابی رسید

سلام و سلام مش اصغری
آیا تو بابا می‌شوی؟
اما نباید خم کنی
قصاب باشی:
من دخترم، تو پدري
در دل من جا می‌شوی؟
قلب مرا زخم بکنی

واه و واه و واه، قاه و قاه و قاه
دختر دارم چون قرص ماه
(موشه قزی دوباره، با دل خوری و غمگین، دور صحنه بگردد و به طرف مغازه بزازی برود.)
قصه‌گو:
موشه قزی سوخته سیاه
می‌خوام چه کار موشه سیاه!

جیرو جیرو جیر، خِش و خِش و خِش
رفت و رفت و رفت، دوید و دوید
موشه قزی:
موقرمزی شیطون بلا
پیش و پیش و پیش، کِش و کِش و کِش
تا دم بزازی رسید

حل می‌کنی تو مشکلی؟

سلام و سلام مشدی ولی
بزاز باشی:
علیک سلام موشه قزی
این از حریر و از کتان
اطلسی و ترمه دارم
شیطون بلا، موقرمزی
پارچه‌ی ارزان و گران
چه جنسی خدمت بیارم

موشه قزی:

نه، نمی‌خواهم هیچ‌کدام
این جا و آن جا می‌کنم
آیا تو بابا می‌شوی؟
حرف دارم به یک کلام
بابایی پیدا بکنم
در دل من جا می‌شوی؟

اما نباید اخم کنی

قلب مرا زخم بکنی

بزازباشی:

کسی تا حال ندیده

کسی تا حالا نشنیده

دختر من! موشه قزی؟

سوخته سیا، موقرمزی؟

(موشه قزی با گریه و غمگین شروع به دویدن در بازار کند.)

قصه گو:

با خنده نیم متری کشید

موشه قزی تندی دوید

جیرو جیرو جیر، تند و تند و تند

خود را به لانه اش رساند

موشی بابای مهربان

در انتظار و نگران

(موشی بابا وارد صحنه شود و مرتب موشه قزی را صدا بزند)

موشی بابا:

موشه قزی، موشه قزی

دختر کم، موقرمزی

کجایی ای جان بابا؟

بیا بکن سر و صدا

(موشه قزی گریان دور صحنه بگردد و به طرف بابا برود)

قصه گو:

موشه قزی تیک و تیک و تیک

گریه می کرد چیک و چیک و چیک

تا بغل بابا رسید

غصه ش پرید و پر کشید

موشه قزی:

موشی بابای نازنین

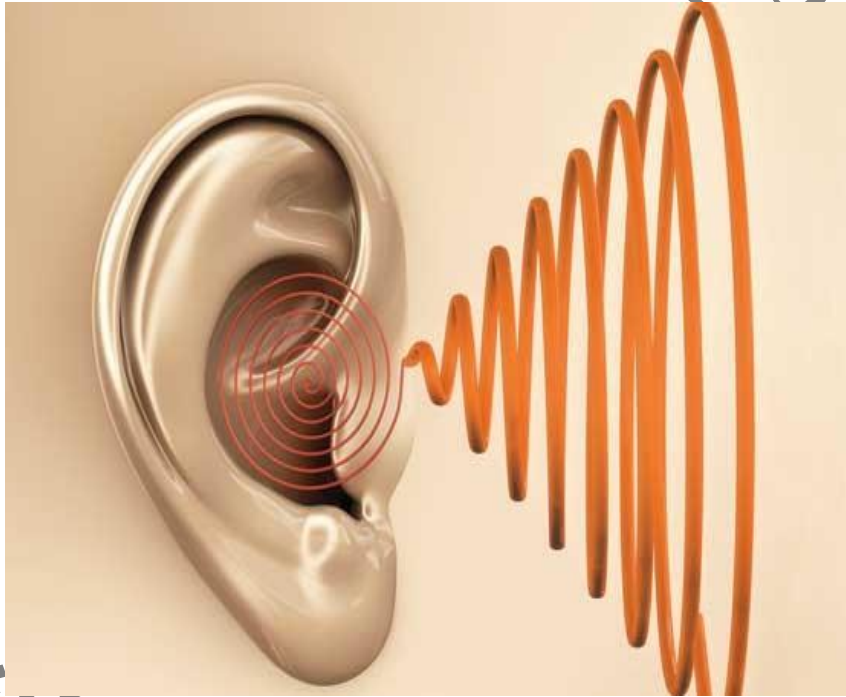
لنگه نداری در زمین

قربون بابای خودم

دوباره دخترش شدم.

۱۵

تمرینات شنیداری



تمرینات تربیت شنیداری:

این بازی‌ها می‌تواند انفرادی و یا بصورت دسته‌جمعی انجام شود.

۱- دانش‌آموزان نشسته، مربی از روبرو، زنگوله و چیز صداداری را در دست گرفته تولید صدا کند و خود به سمت راست، چپ، بالا یا پایین حرکت می‌کند. دانش‌آموز باید با انگشت اشاره صدا را تعقیب کند. (این بازی برای کودکان کم‌بینا با چشمان بسته انجام می‌شود.)

۲- علاوه بر اشاره با دست، صورت را به آن جهت حرکت بدهد.

۳- مربی در مرحله‌ی بعد پشت سر دانش‌آموز قرار می‌گیرد و صدا تولید می‌کند. (در هیچ‌یک از این تمرینات مربی سخن نمی‌گوید.)

۴- برای تقویت شنوایی دانش‌آموز سه نوع صدا تولید می‌کنیم. به طور مثال (صدای کلید، درب، در کمد، سوت و ...) از دانش‌آموز سوال می‌کنیم که چه صدایی را شنیده است سپس صداها را جابجا کرده و از دانش‌آموز می‌خواهیم به ترتیبی که صداها را شنیده آنها را بازگو کند.

۵- در این تمرین، تعداد صداها را ۴، ۵ تا، یا بیشتر اضافه می‌کنیم، تا حدی که دانش‌آموز قادر به پاسخگویی باشد.

۶- یکی از صداها را حذف می‌کنیم.

۷- بازی پروانه‌ی شایسته، با خواندن شعر تک تک اعضای بدن را نشان می‌دهند. (پروانه شایسته، بال می‌زنه آهسته دستهای من کجایید)، کودک دستهایش را نشان می‌دهد و می‌گوید اینجائیم، اینجائیم.

۸- به یکی از بچه‌ها زنگوله می‌دهیم که بدود و نفر دوم باید با تعقیب صدا او را بگیرد.

۹- دانش‌آموزان به ردیف نشسته و به هر دانش‌آموز یک شماره می‌دهیم. دور اول همه با صدای بلند اعداد را می‌گویند. دور بعد تک تک دانش‌آموزان اعداد خود را می‌گویند. دور بعد ابتدا افرادی که اعدادشان زوج است با صدای بلند عدد خود را می‌گویند و مرحله بعد افرادی که اعداد فرد دارند اعداد خود را با صدای بلند می‌گویند. (لازم به ذکر است لفظ زوج یا فرد را برای پایه‌های پایین به کار نمی‌بریم.)

۱۰- مربی تعدادی ضربه بر میز می‌زند دانش‌آموز تعداد ضربات را می‌گوید، ابتدا با شمارش بلند طوری که صدایش شنیده شود در مراحل بعد باید بتواند بدون شمارش تعداد را بگوید.

۱۱- تمرین بالا را می‌توان برای پایه‌های بالاتر با ضرب‌های ۵ یا ۲ انجام داد.

۱۲- از دانش‌آموزان می‌خواهیم انگشتان یک دست را جمع کرده بعد با هر ضربه یک انگشت را باز کند این کار تا عدد ۵ می‌تواند ادامه داشته باشد.

مرحله بعد دو ضربه می‌زنیم و از دانش‌آموز می‌خواهیم که بگوید چند ضربه شنیده است و چند انگشت باز شده است. این تعداد ضربات می‌تواند متغیر باشد و در مرحله پیشتر می‌تواند دو دست را درگیر کند و تا عدد ۱۰ پیش برود.

۱۳- موزیک پخش می‌شود با توجه به شاد یا غمگین بودن موزیک دانش‌آموز در چهره‌اش حالت شادی و یا غم را نمایش دهد.

۱۴- با بچه‌ها بازی عمو زنجیرباف را انجام می‌دهیم. در حین بازی به دانش‌آموزان فرمان حرکت می‌دهیم که در چه جهتی حرکت کنند. از راست بچرخند یا از چپ. برای تولید صدا علاوه بر صداهای حیوانات، صداهای خنده، گریه، فریاد، نجوا، پیچ‌پیچ و ... تولید کنند.

۱۵- داخل قوطی کمپوت یا هر قوطی در دسترس، مقداری سنگریزی می‌ریزیم که صدادار شود. قوطی کف دست دانش‌آموز قرار داده شود. با شنیدن صدای موزیک دانش‌آموز در جهتی که آموزگار فرمان داده حرکت کند. هنگام حرکت باید مراقب باشد قوطی از کف دست او نیفتد.

سازمان آموزش و پرورش استانتهای

منابع و مأخذ

ردیف	نام مولف / مترجم	عنوان کتاب / مقاله	انتشارات	سال چاپ
۱	رحماندوست، مصطفی	قصه‌گویی، اهمیت و راه و رسم آن	انتشارات رشد	تهران ۱۳۷۷
۲	ترجمه‌ی غریب‌پور، بهروز	دنیای گسترده نمایش عروسکی	انتشارات سروش	-
۳	یوسفی، ناصر	آب، آب‌نبات، آتش - (تهیه شده در مرکز پژوهش‌های آموزش و پیش دبستانی)	موسسه نشر و پژوهش شیرازه	۱۳۷۴
۴	ترجمه یوسفی، شهره	در خانه و کودکانستان - (تهیه شده در مرکز پژوهش‌های آموزش و پیش دبستانی)	انتشارات کارگاه کودک	پاییز ۱۳۷۶
۵	ترکمان، منوچهر و انگجی، لیلی	کارهای دستی و هنری کودکان	انتشارات مدرسه	۱۳۶۶
۶	هراتی، محمد مهدی	نقاشی شطرنجی	انتشارات مدرسه	زمستان ۱۳۷۷
۷	سوداگر، محمدرضا	نقاشی (آموزش شیوه‌های مختلف نقاشی)	انتشارات مارلیک	چاپ دوم تابستان ۱۳۷۰
۸	ترجمه حمیدنیا، محمدجواد	بیکار نشینید (کتابهای شکوفه)	وابسته به انتشارات امیرکبیر	چاپ دوم ۱۳۷۰
۹	ترجمه‌ی انگجی، لیلی	سرگرمی‌ها	نشر شورا	تابستان ۱۳۷۷
۱۰	اسماعیلی سہی، مرتضی	برگ‌ها	کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	چاپ اول ۱۳۶۳
۱۱	رحمتی‌اوینی، مریم	هسته‌ها	کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	چاپ اول ۱۳۶۴
۱۲	همتی‌آهویی، ابوالفضل	مجسمه‌ساز با خمیر کاغذی	کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	-
۱۳	سلیمی، پری	همه چیز با کاغذ	کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	چاپ اول ۱۳۶۹
۱۴	جلالی، عبدالرضا	صداسازها	کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	چاپ اول ۱۳۷۴
۱۵	غریب‌پور، بهزاد	کاردستی‌های متحرک	کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	-
۱۶	-	ساختن را شروع کنیم	کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	-
۱۷	حجت، عیسی	دور ریختنی‌ها	کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	چاپ اول ۱۳۶۴
۱۸	-	بازی با خمیر	نشر غسل	۱۳۷۶
۱۹	-	مجله کوشش (جنگ هنر و سرگرمی)	کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	۱۳۷۶
۲۰	-	مجله‌های رشد نوآموز	-	-

سازمان آموزش و پرورش استانی